

بنی صدر حرف خود را در مورد عاملین ترور توماج و همزمان پس گرفت اما:

باز هم حقیقت را به مردم نگفت!

در صفحه ۲

اسنادی که در صفحات ۲ و ۳ چاپ شده است، نشان می دهد که شخصی به نام حسین استیکی رفقای شهید را روز ۲۲ بهمن از زندان ولی عصر تحویل گرفته است.

مروری بر مناظره تلویزیونی

حاکمی از آن بود که سازمان از عملکرد خود و از تمام کارهایی که در ترکمن صحرا صورت گرفته است تا به آخر دفاع می کند و از قوی ترین موضع حکومت را به مبارزه طلبیده است.

لازم می دانیم فقط کلی ترین مسائلی را که در رابطه با این مناظره مطرح شده است توضیح دهیم. دعوت به مناظره تلویزیونی از جانب سازمان غیر مترقبه بود. این دعوت

تاکنون دهها هزار نامه و یادداشت به سازمان رسیده است. فرصت بیشتری می خواهد که یکایک آنها بررسی و نتایج جمع بندی شود. ما در آینده چنین خواهیم کرد. اما اکنون

بقیه در صفحه ۵

گرامی باد یاد رفیق شهید مسعود احمدزاده

برای فدائیان خلق ماه اسفند، ماه خون و حماسه است.

احمدزاده، عباس مفتاحی، اسدالله مفتاحی، حمید توکلی و غلامرضا گلوی که امروز اعدام شدند از افراد گروه سیاهکل و شرکت کنندگان در واقعه ترور شهید فرسی بودند.

رژیم این شش رزمیده دلیر خلق را از گروه سیاهکل معرفی کرد و با اینکار وحشت خود را از معرفی نام سازمان چریکهای فدائی خلق، نشان داد.

در تاریخ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران هر ماه، بانام چند شهید فدائی همراه است و در این میان اسفند، ماه خون و حماسه است.

در اسفندماه نزدیک به ۴۰ تن از فدائیان خلق، خونین و پر خروش چشم در افق امید و دل با خلق پیروز مند سرسبز خاک میهن نهادند و به خون خفتند.

ما یاد این رفقا را گرامی می داریم و سخن بیشتر در این باره را به شماره آینده وامی گذاریم.



سحرگاه ۱۱ اسفند ۶۶ تن از پایه گذاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران توسط دژخیمان رژیم منگور شاه سحرگاه ۱۱ اسفند اعدام سپرده شدند. روزنامه های وابسته آن روز با تیترهای درشت نوشتند که مسعود احمدزاده، مجید

تا وقتی دشمن مردم مسلح است مردم هم باید مسلح باشند

در سرمقاله "کار" شماره ۴۷ گفتیم که بنی صدر ضمن کوشش برای تجزیه نیروهای انقلابی و مترقی و زیر فشار گرفتن انقلابیون کمونیست می کوشد نیروهای سرکوب دولتی و در راس همه ارتش اسلامی شده را تقویت کند. در مناظره تلویزیونی هم او کوشید مسئله خلع سلاح را به محور بحث تبدیل کند.

بنی صدر در طول مناظره نشان داد که می خواهد تقویت ارتش را زیر پوشش خلع سلاح گروه های مسلح به پیش ببرد. او برای مقبول جلوه دادن حرف های خود کوشش کرد خود را پای بند به خواست توده ها جلوه دهد و نقشه خود را به نام

بقیه در صفحه ۲
ارتش بیست و تلویزیونی ایجاد باید کرد

بدنبال یکسال پیکار شوراهای دهقانان

بلاخره قانون اصلاحات ارضی

از تصویب گذشت

مبارزات شوراهای دهقانی ترکمن صحرا، دررشد و گسترش خود توانست شعار بازپس گرفتن زمین های غصبی را به شعار مبارزه با زمینداری بزرگ ارتقاء دهد و جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم مارا عمیق و وسعتی دیگر بخشد.

مبارزات شوراهای دهقانی ترکمن صحرا و دهقانان زحمتکش سراسر ایران برای عملی ساختن شعار "زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند" به رغم همه

دسیسه ها و اقدامات ضد دهقانی زمینداران بزرگ و سرمایه داران و به رغم همه تهاجمات که جناح های سی از حاکمیت برای سرکوب دهقانان و حفظ منافع غارتگران انجام دادند، جمهوری اسلامی ایران را وادار کرد که طرح

اصلاحات ارضی را به تصویب برساند و در صد اجرای آن برآید. بدون تردید پیشنهاد دولت بازرگان هرگز زیر بار نظیر آن نمی رفت و اساساً در یک سال گذشته حکومت آمادگی پذیرش آن را نداشت نتیجه افزایش آگاهی و تشکلی دهقانان و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهن ما است که در روستاها، شکل مبارزه علیه زمینداران بزرگ و مصادره زمین های آنان را دارد.

در این پیروزی مقدّماتی مبارزات درخشان دهقانان ترکمن صحرا که در شوراهای انقلابی دهقانان متشکل شده وزیر رهبری ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا که در شوراهای انقلابی دهقانی

بقیه در صفحه ۱۳

مبارزات شوراهای دهقانی ترکمن صحرا، دررشد و گسترش خود توانست شعار بازپس گرفتن زمین های غصبی را به شعار مبارزه با زمینداری بزرگ ارتقاء دهد و جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم مارا عمیق و وسعتی دیگر بخشد.

مبارزات شوراهای دهقانی ترکمن صحرا و دهقانان زحمتکش سراسر ایران برای عملی ساختن شعار "زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند" به رغم همه

دسیسه ها و اقدامات ضد دهقانی زمینداران بزرگ و سرمایه داران و به رغم همه تهاجمات که جناح های سی از حاکمیت برای سرکوب دهقانان و حفظ منافع غارتگران انجام دادند، جمهوری اسلامی ایران را وادار کرد که طرح

اصلاحات ارضی را به تصویب برساند و در صد اجرای آن برآید. بدون تردید پیشنهاد دولت بازرگان هرگز زیر بار نظیر آن نمی رفت و اساساً در یک سال گذشته حکومت آمادگی پذیرش آن را نداشت نتیجه افزایش آگاهی و تشکلی دهقانان و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهن ما است که در روستاها، شکل مبارزه علیه زمینداران بزرگ و مصادره زمین های آنان را دارد.

در این پیروزی مقدّماتی مبارزات درخشان دهقانان ترکمن صحرا که در شوراهای انقلابی دهقانان متشکل شده وزیر رهبری ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا که در شوراهای انقلابی دهقانی

بقیه در صفحه ۱۳

در انتخابات مجلس از کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پشتیبانی کنیم

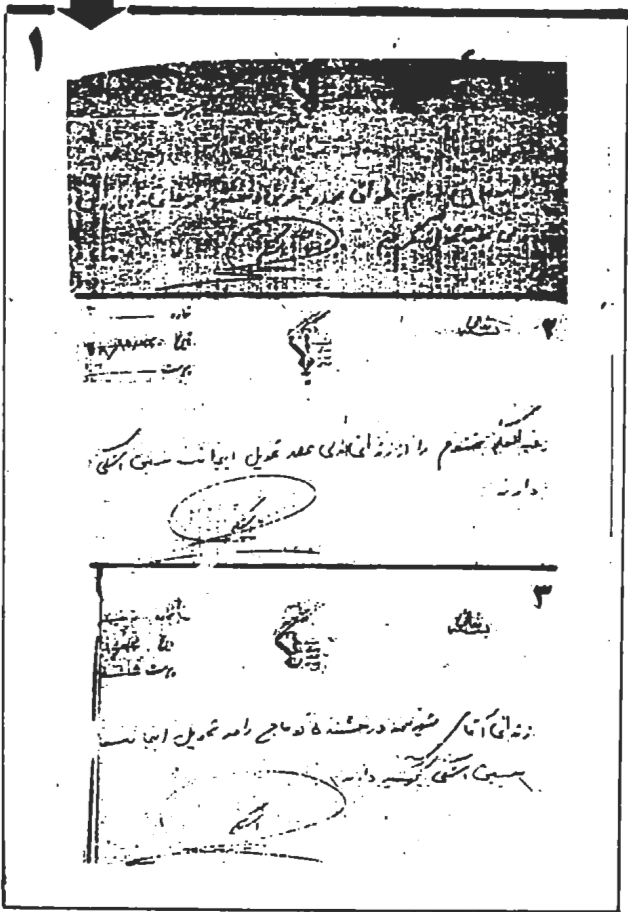
بنی صدر

حرف خود را در مورد ...

بقیه از صفحه ۱

هم بنی صدر کوشید بگوید چون رفقا در درگیری ها شرکت داشتند بنا بر این می بايست محاکمه می شدند. او همیشه عمدا فراموش می کند که رفقا را قبل از درگیری بازداشت کرده بودند و ادعای بنی صدر در مورد شهادت آنها در درگیری های مسلحانه ادعایی است که صرفا برای منحرف کردن افکار مردم و حقانیت تراشیدن برای همگان چریکهای فاشیستی درون سپاه پاسداران، فدائیان خلق همراه با همه مردم آگاه و مبارز ایران خواستار افشای بلا درنگ عاملین این جنایت فجع هستند. ما اعلام می کنیم همه کسانی که به هر نحوی از انحاء بکوشند حقایق مربوط به این جنایت را تحریف کنند آشکارا به حمایت و همدستی با جنایتکاران برخاسته اند و در عمل شریک جرم آنها محسوب می شوند. همه کسانی هم که در برابر این جنایت سکوت کنند یا موضع قاطع در برابر آن نگیرند، عملا آبه آسباب امپریالیسم رنخته اند و این چریک های تروریستی در درون هیئت حاکمه را یاری کرده اند که به شکار و ترور انقلابیون ادامه دهند.

این سه سند که همه به خط حسین استیگی است نشان می دهد که نامبرده روز ۲۲ بهمن هر چهار رفیق را تحویل گرفته است



متن سند شماره (۱) تاریخ ۵۸/۱۱/۲۲ زندانیان به اسم طواق محمد واحدی و حسین جرجانی را از زندان ولی عصر تحویل گرفتیم. استیگی

بقیه در صفحه ۳

تا وقتی دشمن مردم ...

مردم عنوان کرد. حرف و نقشی که اساسا و عمیقا به زبان مردم است. سلاح از دست مردم خارج کردن و سپردن آن به دست ژاندارمری های ارتشی که بند بند وجود آن دست پسرورده امریکاست کجایش به نفع مردم ما است؟ بنی صدر تحت پوشش این حرف که ما تسلیم زور نمی شویم می خواهد با داد و بیداد "زور" را به مردم تحمیل کند. او با تجاها از بیان این حقیقت طفره می رود که وقتی سلاح فقط در دست ارتشی باشد که توده های نیست و فرمان آتش در اختیار و انحصار فرماندهان آن است، فرماندهانی که با هزاران رشته به امپریالیسم امریکا پیوند دارند، قدرت واقعی در دست ارتش خواهد بود و حرف ارتش و کسانی که مهار ارتش را در دست دارند به پیش خواهد رفت. بنی صدر در حرف ادعای انقلابی گری دارد و می گوید می خواهد انقلابی رفتار کند اما در عمل فلاحی ها و شاکرها و مدنی ها و علوی ها و باقری ها را از فدائیان و مجاهدان، این انقلابیون جان برکفی که سالها با رژیم شاه جنگیدند، "انقلابی تر" و "مردمی تر" می داند. او می خواهد که توپ و تانک و مسلسل در دست امثال فلاحی و شادمهرز و علوی باشد. ما می گوئیم خیر، مردم به هیچ وجه حاضر نیستند وسیله کشتار خود را در اختیار امثال فلاحی ها و علوی ها بگذارند چگونه از مردم انتظار دارید به مدنی، علوی، به شاکر و باقری و شادمهر اعتماد کنند؟ یک مارکسیست - لنینیست نمی تواند معتقد باشد که به جای طبقه کارگر و دیگر متحدین او در انقلاب، به جای توده مردم، عناصر مارکسیست - لنینیست قشون مسلحی را باید تشکیل دهند که از حکومت مردم و از پیروزی آنها دفاع کنند. بحث ما اصلا بر سر مسلح بودن احزاب و سازمان های سیاسی نیست. بحث بر سر این است که آیا مردم دست خالی می توانند برابر دشمنان نشان که ن دندان مسلح اند، از حق خود دفاع کنند یا نه؟ اگر دست خالی نمی توانند، پس چگونه می توانند از حقوق خود دفاع کنند؟ آقای بنی صدر می گوید "ما همین ارتش را درست می کنیم و به او می گوئیم از منافع مردم دفاع کن". ما می گوئیم این ارتش را آنطور که شما می گوئید فقط می توان برای سرکوب مردم، برای کودتا و برای خدمت به سرمایه داران و امپریالیسم درست کرد. تنها خود مردم هستند که در یک ارتش منظم بیست میلیون و مسلح که تمام افراد آن کار می کنند و در تولید شرکت دارند، متشکل می شوند و از منافع خود دفاع می کنند. آری، این بیست میلیون مردم ایران باید در شوراها و سلح مردمی متشکل شوند و این شوراها و سلح از استقلال میهن و از منافع زحمتکش دفاع کنند.

بحث ما بر سر مسلح کردن شوراها و واقعی کارگران و دهقانان است. این چکیده حرف های ماست. بنی صدر می خواهد با تقویت ارتش از یک طرف و پیشبرد خلع سلاح مردم در پوشش خلع سلاح انقلابیون کمونیست از طرف دیگر مردم را با یک نیروی مسلح جدا از مردم که بنا به ماهیت خود نمی تواند مردمی باشد، روبرو سازد و ما می گوئیم با توجه به تجارب انقلاب های شکست خورده و پیروزمند جهان، با توجه به تجارب مربوط به نهضت مشروطیت، کودتای ۲۸ مرداد، کودتای شیلی، اندونزی و دهها نمونه دیگر، با توجه به حماسه نبرد خلق ویتنام، مردمی که مسلح و متشکل هستند و تنها مردمی که به نیروی مسلح خود متکی هستند قادرند از استقلال میهن، از آزادی خود و از حاکمیت خود دفاع کنند. خلع سلاح مردم و در اختیار گذاشتن سلاح زیر فرمان ژنرال هایی که نه تنها هیچ سابقه مبارزاتی و مردمی ندارند، بلکه همگامی دست پرورده و دست پخت مستشاران امریکائی و اسرائیلی هستند، بزرگترین خطر را برای جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ما به بار خواهد آورد. باید برای مردم مسئله را وسیع توضیح داد، باید مسئله را برای آنها درست طرح کنیم، تا بدانند که وجود اسلحه و مهمات در دست فرماندهان ارتش به سود آنان است یا در دست ارتش بیست میلیون، ارتشی که از خودشان تشکیل شده و رهبری آن هم در دست خودشان است؟

بقیه از صفحه ۱



سندی که استاندار و مسئول سپاه از "افشای" آن درمانده بودند

در مناظره تلویزیونی یکشنبه، استاندار مازندران و نمایندگان سپاه پاسداران ادعا کردند که اسنادی در اختیار دارند که براساس آن می‌توانند اثبات کنند که ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با فتوایها ارتباط و پیوند دارد.

همگان آن صحنه را به خاطر دارند که استاندار و نمایندگان سپاه پاسداران در ارائه اسناد درماندند و تنها به یک برگ از اسناد به دست آمده در ستاد مرکزی اشاره نمودند. هرچقدر ما تقاضا کردیم که متن اسناد عاشری در

گوشه‌ای از حقایق درگیری های خونین گنبد

از زبان سید مهدی طباطبائی دادستان انقلاب اسلامی مازندران

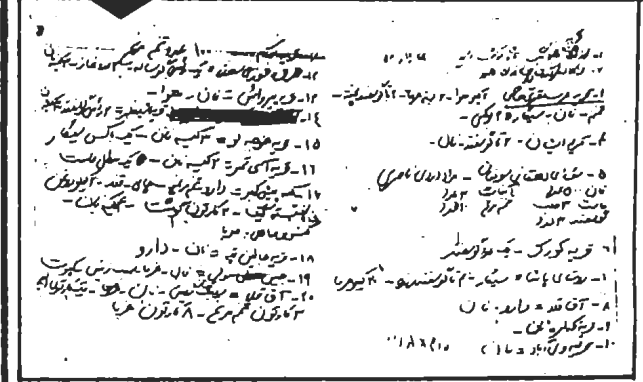
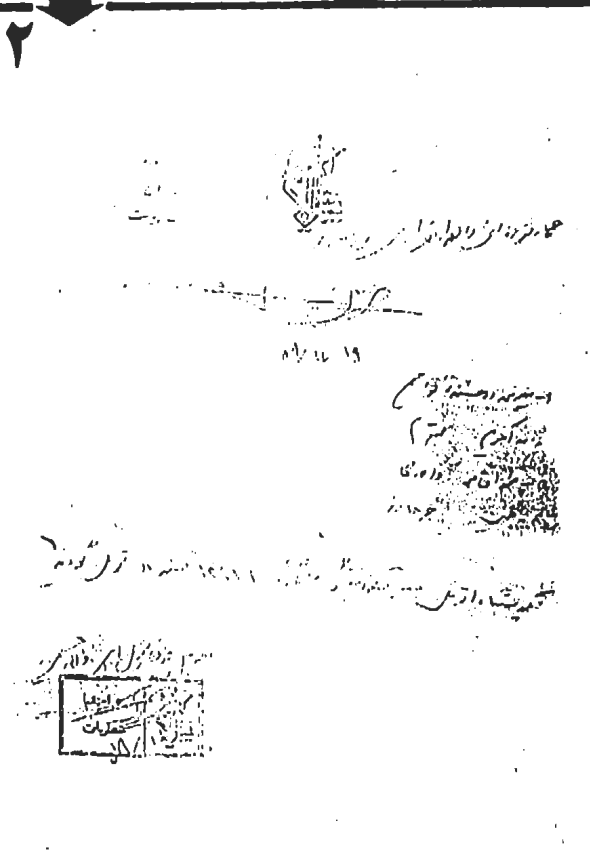
حجت الاسلام طباطبائی دادستان انقلاب اسلامی مازندران، روز سه شنبه ۷ اسفند ماه ۵۸ طی اعلامیه‌ای که به نام دادستان کل انقلاب اسلامی مازندران صادر شد، ضمن تأکید جمل مهربانانه دادستانی از طرف سپاه پاسداران عامل اصلی درگیری های گنبد را سپاه پاسداران اعلام کرد. این اطلاعیه در اخبار ساعت ۱۹/۰۰ تلویزیون پخش شد. ایشان در آخرین مصاحبه های خود، حقایق بیشتری از کشتار خلق ترکمن و ترور انقلابیون ترکمن صحرا به پیشگاه مردم قهرمان ایران ارائه کرده اند.

"کار" به جهت اهمیت موضوع بخشی از سخنان ایشان را به چاپ می‌رساند.

بنی صدر

حرف خود را در مورد...
 ۲- تاریخ ۵۸/۱۱/۲۲
 عبدالحکیم مختوم را از زندان ولی عصر تحویل اینجانب حسین استیکی دادند.
 ۳- تاریخ ۵۸/۱۱/۲۲
 زندانی آقای شیرمحمد درخشنده توماج را تحویل اینجانب حسین استیکی دادند.
 استیکی

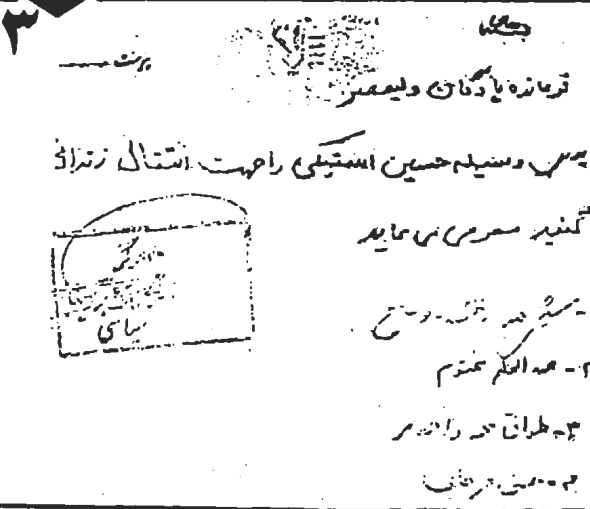
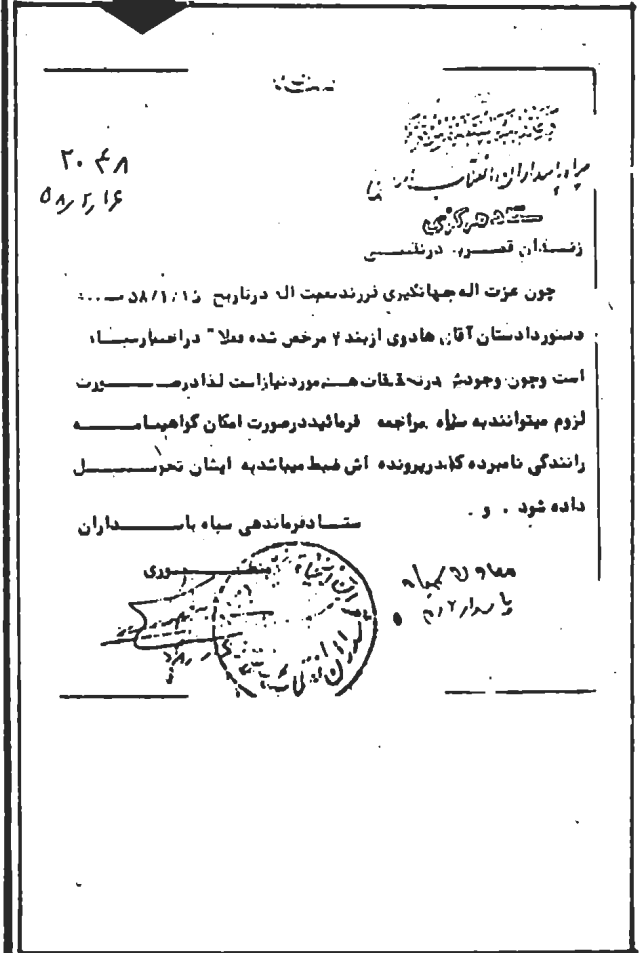
این سند نشان می‌دهد که رفقا را روز ۱۹ بهمن، واحد عملیات سپاه پاسداران تحویل گرفته است.



در مقابل نمایندگان سازمان سندی را ارائه دادند که پیوند سپاه پاسداران را با عوامل رژیم شاه و ساواکی ها به اثبات می‌رساند. اینک عین سند را ما برای اطلاع دقیق تر مردم قیام کننده مهینان به چاپ می‌رسانیم.

متن سند شماره (۲)
 محل امضاء: تاریخ ۵۸/۱۱/۱۹
 چهار نفر زندانی را بطور...
 ۱- شیرمحمد درخشنده توماج
 ۲- عبدالحکیم مختوم
 ۳- طواق محمد واحدی
 ۴- حسین جرجانی
 یک دستگاه اتومبیل جیب آهو
 استیشن شماره ۴۴۱۶ گنبد ۱۱
 تحویل گردید
 واحد عملیاتی

این سند نشان می‌دهد که روز ۲۲ بهمن "حسین استیکی" برای تحویل گرفتن زندانیان به پادگان ولی عصر معرفی شده است.



متن سند شماره ۳
 فرمانده پادگان ولی عصر
 بدینوسیله حسین استیکی
 را جهت انتقال زندانی به گنبد معرفی می‌نماید.
 ۱- شیرمحمد درخشنده توماج
 ۲- عبدالحکیم مختوم
 ۳- طواق محمد واحدی
 ۴- حسین جرجانی
 مرکز اطلاعات و بررسی

۸- باری - سید مهدی طباطبائی دادستان انقلاب اسلامی استان مازندران دیروز در مورد حوادث گنبد گفت: درگیری های خونین گنبد معلول عدم هماهنگی در اتخاذ تصمیم بین فرماندار و سپاه پاسداران و دادستانی انقلاب گنبد بوده است.

وی با اشاره به کسری بودن اطلاع و آمادگی نظامی در آن منطقه و کمبود نیروی مسلح و عدم هماهنگی در اتخاذ تصمیم بین فرماندار و سپاه پاسداران و دادستانی انقلاب گنبد، گفت: درگیری های خونین گنبد معلول عدم هماهنگی در اتخاذ تصمیم بین فرماندار و سپاه پاسداران و دادستانی انقلاب گنبد بوده است.

چه کسانی مسئول کشتار مردم

در تظاهرات و راهپیمائی های مسالمت آمیز است ؟

● رهبران باندهای سیاه و عاملین کشتار مردم و انقلابیون آزادانه به فعالیت مشغولند

می شد. این دستجات از کسولگری امریکا که در حال حاضر محل استقرار پاسداران است سازماندهی شده بود و نیروهای حمله کننده از پاسداران مستقر در کسولگری امریکا، کمیته بازرسی، کمیته مرکزی و عده ای از فالانژها بودند. آنها بعد از حمله و ضرب و شتم سوارچند ماشین شدند و به کسولگری رفتند.

آنچه که از گزارش فوق برمی آید، چهره های شناخته شده ای که از آغاز قیام تاکنون تنها با مهر پالیسم امریکا و دشمنان مردم ما خدمت کرده اند، نقش سازماندهی داشتند. در این میان نقش "حمید سلیمی" عامل دستگیری و طراح نقشه قتل رفیق بیژن نوری که در کار شماره

دنبالشان می کنند و چند نفر از جمله شاطر یوسف را دستگیر می کنند. در این موقع او سلاحش را می کشد و شروع به تیراندازی به طرف جمعیت می کند که تعدادی زخمی می شوند (حدود ۴ الی ۵ نفر

چهره های شناخته شده ای از افراد کمیته ای معروف به کمیته بازرسی بودند. این افراد عبارت بودند از "شاطر یوسف، رسول، علی شیردل، تهرانچی و زلفی که در ضمن مسلح به کلت بودند.

در این موقع جمعیت یکی از آنها به نام رسول را دستگیر کرده و به داخل کوچه می برند. در این هنگام شاطر یوسف و دارودسته اش شروع به تیراندازی می کنند و رسول هم کلتش را می کشد و شروع به تیراندازی می کند. آنها سر کلت را طوری می گیرند که گلوله ها با فاصله کمی از بالای سر جمعیت رد می شود و گاهی هم زیر پای جمعیت شلیک می کردند. ضمناً تعداد زیادی پاسدار در لباس شخصی که مسلح به زنجیر، چاقو و کلت بودند و چاقوهایشان را به پاسته بودند نیز به جمعیت حمله

شوند. به محض دادن شعار از طرف جمعیت، دسته ۱۰۰ نفری که در کنار ساکت ایستاده بودند شروع به دادن شعار کردند "سلام پیروز است، چپو راست نابود است"، "مرگ بر فدائی".

جمعیت از میدان ارک بطرف خیابان طالقانی شروع به حرکت کرد. در این فاصله دسته ۱۰۰ نفری خود را به جلو صف رساندند و سعی داشتند جلوی حرکت صف را بگیرند و مانع ورود آن به خیابان خمینی شوند. ولی جمعیت همچنان به راه خود ادامه داد و سرپیچ تقاطع طالقانی و خمینی ترافیک سنگینی ایجاد شده بود. در این اثنا که فالانژها در قسمت مقابل صف قرار گرفته بودند، شروع به حمله کردند. چند نفر از آنها با ساطور به وسط جمعیت حمله

در اعتراض به کشتار خلق ترکمن و فاجعه ترور رهبران ستاد مرکزی شوراهای دهقانی ترکمن صحرا، سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه تبریز، از مردم آگاه و مبارز تبریز دعوت کرد که در راهپیمائی روز ۹ بهمن ماه شرکت کنند.

مسئولین برگزاری این راهپیمائی، به فرمانداری تبریز مراجعه می کنند و از مقامات مسئول بطور کتبی می خواهند که اجازه برگزاری راهپیمائی و تامین امنیت آن را صادر کنند.

مقامات مسئول یادداشت تقاضای رسمی سازمان، با برگزاری مراسم موافقت می کنند.

شروع راهپیمائی ساعت ۳ بعد از ظهر پیش از

● عناصر باندهای سیاه را هر جا که می شناسید به مردم معرفی کنید. نباید فرصت داد افعال جنایتکارانه این عناصر مزدوری کیفر بماند.

۳۵ شرح مفصل این رادرج کرده ایم، قابل تاکید است. حضور آزاد و فعال این عوامل در یورش مسلحانه به راهپیمایان تبریز، دلیل محکمی است بر این که این عوامل از جانب جناح پاسی از حاکمیت مورد حمایت و پشتیبانی قرار می گیرند و اساساً در جهت اهداف امپریالیسم امریکا و تحکیم سلطه آن سازماندهی شده اند. یورش مسلحانه این باند ها به صفوف راهپیمایان تبریز تاکنون دو تن کشته و صد هاتن زخمی به جا گذاشته است و بدون شک اقدامات جدی چهار طرف نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست وجه از جانب مقامات رسمی می تواند ابعاد فاجعه باریتری را به بار آورد. امروز دیگر ماهیت حمله به میتینگ ها، تظاهرات و فاش شدن سازمان های انقلابی و ضد امپریالیست برای مردم مبین ما آشکار شده و نفرت همگان را برانگیخته است. شکار نیروهای انقلابی که اینک هر روز در چهار گوشه مبین ما اتفاق می افتد، اتحاد عمل نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست را در مقابل با باندهای سیاه بیشتر از هر زمانی ضروری می سازد و بدیهی است که می باید در جهت تحکیم و تقویت چنین اتحاد عملی حرکت کرد.

زخمی می شوند). هواداران سازمان که می بینند درگیری خشن شده می گویند: "آنها را اول کنید و پراکنده شوید". در این موقع آمبولانس می رسد و زخمی ها را به بیمارستان می برد، پاسدارها هم به طرف بیمارستان رفته و عده ای دم در بیمارستان ایستاده و عده ای دیگر وارد بیمارستان می شوند که دکترها آنها را بیرون می کنند. در این موقع دیگر جمعیت در دستجات کوچکی در سطح شهر پراکنده شده بودند و بعد از یک ساعت راهپیمائی در گوشه و کنار شهر تجمع کرده و حادثه را برای مردم توضیح می دادند.

آنها از قبل تدارک دیده بودند چون تعدادی از کمیته ای ها از جمله "حمید سلیمی" یا موتور گشت می دادند و رفقیا را شناسائی کرده و گزارش می دادند و پاسداران آنها را دستگیر می کردند. در موقع حمله فالانژها مردم به آنها می گفتند "شما با چاقو داران رژیم قبلی چه فرقی دارید؟". در اثر حمله آنها شهر متشنج شده بود. بطوری که مردم می ترسیدند از خانه بیرون بیایند. مثلاً یک زن جلوس دخترانش را که به قصد خرید می خواستند از خانه بیرون بروند، گرفته بود و مانع

چهره های شناخته شده ای از افراد "کمیته بازرسی" از جمله

شاطر یوسف، رسول، علی شیردل، تهرانچی، زلفی و حمید سلیمی

در میان مهاجمان بودند. آنها همه کلت بسته بودند.

می کنند. جمعیت که می بیند آنها به طرفشان شروع به تیراندازی می کنند پراکنده می شوند و مهاجمان جمعیت را دنبال می کنند. عده زیادی که در اثر پرتاب سنگ و آجر زخمی شده بودند به داخل مغازه های اطراف پناه می برند. در این موقع جمعیت به چهار پنج دسته ۱۰۰ الی ۲۰۰ نفری تقسیم شده و به طرف دانشگاه، خیابان فردوسی و تربیت حرکت می کنند و شروع به دادن شعار می کنند. در این میان دسته بزرگی تشکیل می شود که با نظم به طرف دانشگاه حرکت می کردند که در چهار راه آبرسانی به آنها حمله مسلحانه می شود. جمعیت که به خشم آمده بودند با شجاعت تمام

کردند و وحشیانه در حالی که چشمهایشان را بسته بودند در میان جمعیت پیچ می خوردند. جمعیت آنها را دستگیر و بعد از گرفتن ساطورهایشان آزادشان کردند. جمعیت به راه خود ادامه می داد که عده ای با زنجیر و چاقو به آن حمله ور شدند. بعد از خیابان فردوسی فالانژها شروع به پرتاب سنگ و آجر به طرف جمعیت کردند که عده ای به شدت زخمی شدند ولی صف همچنان حالتش را حفظ کرده و به راه خود ادامه می داد. دسته ای از فالانژها که در جلو صف بودند مانع حرکت آن می شدند. در این موقع با چاقو و زنجیر به صف حمله می کنند. در میان آنها

۲۰ هزار نفر در میدان ارک، محل تجمع راهپیمایان گرد می آیند و در مسیر تعیین شده راهپیمائی را آغاز می کنند. آنها شمار می دهند: عوامل جنگ افروز، در کردستان، در گنبد، در پیشگاه مردم اعدام باید کردند آمریکا، آمریکا، مرگ به نیرنگ تو... خون شهیدان ما می چکد از چنگ تو. شعار هرفدائی، استقلال کار، مسکن، آزادی. راهپیمایان به زبان ترکی نیز شعارهایی می دادند که عبارت بودند از: زحمتکشها متحد شوند آمریکا نابود شود. کارگران به کار برسند دهقانان به زمین، آمریکا نابود شود، سرمایه داران نابود

باندهای سیاه را با قدرت تمام افشا کنیم و نابود سازیم



مرور کوتاهی بر مناظره...

بقیةماز صفحه ۱

اما خوب می دانستیم که شوراهای ترکمن صحرا و رهبران فدائی آن در ترکمن صحرا چه کرده اند. حکومت چه کرده است و مردم چه قضاوت خواهند کرد. مشکل همیشه برگ برنده از پیش نزد ما بود فقط می بایست می فهمیدیم که از آن در کجا و چگونه استفاده کنیم و به مردم نشان دهیم که جنگ افروز کیست؟ حامی فتوئال کیست و هدست ساواک و سرکوبگر کدام نیروها هستند.

دعوت ما بنی صدر را در بن بست قرارداد. پس از اعلام سازمان اگر بنی صدر می پذیرفت و شرکت می کرد، نتایج حدوداً همین می شد که شوواگر رد می کرد و نمی پذیرفت، چون خودش همواره طراح آن بوده و از آن دفاع کرده بود مردم به خوبی متوجه می شدند که چون کارهای حکومت در ترکمن صحرا جایی برای دفاع ندارد، بنی صدر به مناظره تن نداد.

مناظره در شرایطی از جانب سازمان پیشنهاد شد که سهل تبلیغات پیروز هر آنگاه را دیوب تلویزیون علییه فدائیان سراسر ایران را پوشانیده بود و بخصوص بعد از کوچ مردم گنبد و اشغال کامل شهر توسط سپاه پاسداران در اوج خود بود.

جنبش انقلابی یکی از درخشان ترین کارنامه ما را در ترکمن صحرا ارائه داده بود و همین موجب شده بود که بیش از هجری دیگر مورد حمله همه جناح های مترجم و

جنگ افروز: زمینداران، سرمایه داران و ضد کمونیست های هیئت حاکمه قرار گیرد. ولی بعد از افشای جنایت پاسداران و ترور رهبران شوراهای ترکمن صحرا موضع بنی صدر به شدت تضعیف شد. او در این مورد حرفی برای گفتن نداشت و به همین منظور یک هفته مناظره را به تعویق انداخت.

قصد بنی صدر از شرکت در مناظره کوشش در جهت حل مسائل خلق ترکمن نبود. او در تمام طول مناظره کوشید به مسئله خودش برسد و آن هم مسئله خلع سلاح مردم بود.

محور "افشگری" آنها علیه فدائیان پرشنامه ای بود که ستاد شوراهای روستائیان تنظیم کرده بود و موضوع نکولات به قدری عالی بود که خود به بهترین وجهی از زبان استاندار نشان داد که چگونه سازمان می گوشت از مردم بهامورد تا بتواند مردم را در پیکار علیه دشمنان هدایت کند. ارائه پرشنامه افتخاری شد برای سازمان ما. علاوه بر این نماینده سپاه پاسداران که تلاش می کرد ستاد را بسا فتوئال ها مربوط سازد، مفتضحانه شکست خورد. در عوض رابطه پاسداران با رئیس ساواک گنبد با ارائه سند به معرض قضاوت عموم گذاشته شد و به نحو شایسته ای اثبات شد.

و با اقدامات فاشیستی خود مثل صدور دستور حمله به راهپیمایی ۱۹ بهمن و تیرباران رهبران شوراهای ترکمن صحرا در خدمت ارتجاعی ترین طبقات درآمدی است. اما اکثریت توده پاسدار و یک بخش از رهبری آنها را باید از بقیه سوا کرد. مناظره به توده مردم آموخت که ارتش خطرناک ترین نیروی سرکوب است. شخص بنی صدر نیز از این مناظره ضرر نکند. صرف حضور فدائیان خلق که در ذهن توده ها به عنوان سرسخت ترین مبارزین شناخته شده اند، در کنار بنی صدر برای بنی صدر یک امتیاز بود. به ویژه که بنی صدر گاهی می کوشید خود را از مناظره کنار بکشد و بزهای قیام ما بانه بگیرد. بنی صدر با پذیرش دعوت ما به مناظره مطابق ذهنیت توده ها و خواست آنان عمل کرد. توده ها می خواهند همه حرفها را بشنوند و خودشان در مورد هر یک قضاوت کنند. با این مناظره سازمان خیز نوینی در سطح جریان های

نماینده سپاه پاسداران که تلاش می کرد ستاد را با فتوئال ها مربوط سازد، مفتضحانه شکست خورد. در عوض رابطه پاسداران با رئیس ساواک گنبد با ارائه سند به معرض قضاوت عموم گذاشته شد.

مدعی مارکسیسم به پیش برداشت. مناظره موقعیت سازمان را در جنبش کمونیستی ایران بیش از پیش تحکیم بخشید. قضاوت توده ها و استقبال مردم از سازمان و تأیید حقانیت آن در تحکیم موقعیت سازمان در درون جنبش کمونیستی نقش درجه اول داشته است. به نحوی که حتی اپورتونیسیم چپ و اپورتونیسیم راست فرصت نیافتند علیه سازمان سپاشی کنند.

مناظره مشخصاً مبارزه طبقات را در تمام محیط های اجتماعی (در کارخانه، در مزرعه، در سطح شهر، در مدارس و در خانه ها) دامن زده و گسترش داده است. گسترشی که مشخصاً در جهت ارتقا آگاهی توده های دهقانی بطور اخص و ارتقا آگاهی دمکراتیک همه توده ها بطور اعم عمل کرده است.

پرش و پاسخها و توضیحات رفقا و حتی پاسخ های بنی صدر و دیگر حکومتگران به توده ها نشان داد که چگونه فدائیان شعار زمین، شعار تضمین حق آزادی اجتماعات و تظاهرات، شعار تشکیل ارتش خلق، شعار افشا و طرد و سرکوب دوستان و جاسوسان امپریالیسم را از یک سال پیش تا کنون پیگیرانه مطرح و در راه آن مبارزه کرده است. مناظره به درستی به توده ها نشان داد که فدائیان خلق پیگیرترین مدافع منافع طبقه کارگر و مردم زحمتکش اند، که فدائیان خلق پیگیرانه برای مصادره زمین های زمینداران به نفع دهقانان مبارزه میکنند. مردم دیدند که ما سرسخت ترین مدافع دمکراسی و حقوق خلقها هستیم. مردم فهمیدند که فدائیان قاطع ترین دشمن سرمایه داری و امپریالیسم هستند و بنی صدر و بطور کلی همه نمایندگان هیئت حاکمه در بسیاری موارد تنها در برابر اراده مردم و تعرض نیروهای انقلابی است که مجبور می شوند به نفع

بنی صدر در این قسمت به کمک استاندار شتافت. اما تلاشهای او نیز نتوانست غریبی را که سرنوشت محتومش غرق شدن بود، نجات دهد. بنی صدر تلاش می کرد بگوید که فدائیان جنگ مسلحانه راه انداخته اند. او در طرح این مسئله زرنگی خاصی از خود نشان داد. بدین صورت که وقتی ما پرسیدیم "دلیل شما چیست؟" برای اثبات این حرف گفت: "حوادث گذشته گنبد و کردستان و جاهای دیگر" و وقتی ما خواستیم توضیح بدهیم که این شما بودید که شروع کردید، بنی صدر گفت: "این مربوط می شود به قسمت دوم" و با این ترتیب حرف خودش را زده بدون این که جوابش را همانجا در یافت کند.

در قسمت دوم مردم همه دیدند که حمله به راهپیمایی سازمان و به دنبال آن تحمیل جنگ به خلق ترکمن یک توطئه از قبل سازمان یافته بوده که از تهران و از مرکز سپاه پاسداران هدایت می شده است. توطئه ای که به شوم ترین صحنه آن ترور ناجوانمردانه رفقای شهید توماج مختوم، جرجانی و واحدی بود. بنی صدر در این قسمت گفته قبلی خود را مبنی بر این که ترورها در رابطه با درگیری بین گروه های چریکی بوده است، پس گرفت و این پیروزی بزرگی برای ما و یک عقب نشینی بزرگ برای

بنی صدر گفته قبلی خود را مبنی بر این که ترورها در رابطه با درگیری بین گروه های چریکی بود ما ست پس گرفت و این پیروزی بزرگی برای مردم و یک عقب نشینی بزرگ برای هیئت حاکمه بود.

مناظره مشخصاً مبارزه طبقات را در تمام محیط های اجتماعی، در کارخانه ها، در مزرعه، در سطح شهر، در مدارس و در خانه ها بیشتر کرده و گسترش داده است.

توده ها قدم بردارند. اگر مبارزه یک ساله دهقانان ترکمن صحرا و فعالیت های خستگی ناپذیر فدائیان نبود، اکنون مصادره زمین های زمینداران ترکمن صحرا به سود زحمتکشان از جانب حکومت به رسمیت شناخته نمی شد و اگر مبارزات فدائیان بود پیروزی انقلابی نبود حکومت حاضر نمی شد اعلام نماید که سلب کنندگان آزادی و امنیت تظاهرات و اجتماعات مردم مورد پیگرد قرار خواهند گرفت. نقش مکرر این حقوق و بی توجهی های مداوم هیئت حاکمه به خواست مردم، به تجربه به آنها نشان داده است که تنها وقتی خود مردم بسیج و متشکل شوند و مبارزه کنند دولت به خواست هایشان تن خواهد داد.

هیئت حاکمه بود. مردم که اغلب از قبل همه می دانستند قضیه چیست اگر ملاحظه می کنند که داستان جعلی "فدائیان ترکمن پیرو مشی مسلحانه" از کجالت می خورده است. همه دریافتند که جناح هایی از میان خودشان این جنایت را سازمان داده و به انجام رسانیده اند. مردم دریافتند که بنی صدر هم از طریق تحریف و جعل حقایق به آنها کمک کرده که از جنگ عدالت خلق بگریزند و سایر جناح های حاکم نیز با سکوت خود در برابر این جنایت در عمل از آنها پشتیبانی کرده اند.

این مناظره بیش از پیش فدائیان را به میان توده ها برد و نقطه عطفی شد در حیات سیاسی سازمان. فعالیت علنی سازمان و هواداران را سهل تر ساخت و راه را برای رابطه گیری با توده مردم بازتر کرد و جو مسموم کنندهای را که علیه سازمان ایجاد کرده بودند، درهم شکست. سازمان در این مناظره ماهیت فرماندهان ضد خلقی ارتش را به نمایش گذاشت. چهره عبوس فلاحی نشانسی شد از خشم و کین او از فدائیان خلق و سایر گروه های انقلابی. علاوه بر این سازمان نشان داد که در سپاه پاسداران جناحی وجود دارد که علیه مردم توطئه می کند

بود. ما می خواستیم حقانیت سازمان و خلق ترکمن و همه خلق های تحت ستم در معرض قضاوت توده ها قرار گیرد، بعلاوه تا حدی که ممکن است سیاست سازمان در برابر سپاه پاسداران و ارتش و عملکرد آنان برای توده مردم توضیح داده شود.

طی مناظره نیز این تلاشها هر دو سودا دامه یافت. استاندار و پاسداران تحت پوشش ریشه با بی برای حل مسئله ترکمن صحرا یک مشت اباطیل راه خورد مردم دادند و یک ساعت از وقت مناظره را تلف کردند. پیشنهاد بنی صدر در مورد نحوه طرح مسائل و دو قسمت کردن بحث ظاهر منطقی بود. ما ز همان اوایل مناظره خوب می دانستیم که پیشنهاد بنی صدر به خاطر آن بوده است که اولاً وقت هر چه بیشتر به مسائلی اختصاص داده شود که ربطی به مسائل مشخص گنبد ندارد، ثانیاً مسئله خلع سلاح درگانون مناظره قرار گیرد. لذا کوشیدیم از همان ابتدا قسمت اول را هر چه زودتر به پایان رسانیم و به مسائل مشخص برسیم ولی با این که حدود دو ساعت ونیم وقت صرف مسائلی شد که آنها می خواستند طرح شود، با این حال رفقای ما در این قسمت پیروزی های چشمگیری کسب کردند.

بسیج مسلح توده ها ضامن پیروزی خلقهای ما ست

کارگران:

« ما بخشنامه شورای انقلاب در مورد شورای فرمایشی را از اساس رد می کنیم »

کارگران شورای انقلابی مبارزه می کنند شورای انقلاب شوراهای فرمایشی را توصیه می کنند

اساسنامه آن توسط کارگران نوشته شود و برای ما شورای واقعی یعنی این. ولی تاج الدینی مشاور رئیس کل عنوان نمود که ما باید مطلقاً صحبت‌هايمان را در چارچوب بخشنامه شورای انقلاب ادامه دهیم. زیرا اکنون وضع بسیار گذشته فرق کرده است و مدبریت انقلابی است و باید بگران فرقی ندارد. نماینده‌های درجوا بیش گفت:

« این بخشنامه مال دولت بازرگان است. اکنون دیگر ماهیت دولت او برای اکثر افراد ملت شناخته شده است. این نماینده افزود: « بعد از انقلاب آن زمانی که هیچ مدبریتی در راه آن نبود و راه آن به صورت شورايش اداره می شد باز دهی کار ۱۰٪ افزایش پیدا کرد ما نمایندگان کارگران و کارکنان راه آن خواستار شورائی هستیم که بر اساس

در تاریخ ۲۵ بهمن ماه جلسه‌ای به دعوت مدیریت راه آهن با شرکت ۶ نفر از نمایندگان قسمت‌های مختلف این واحد تشکیل شد در این جلسه ابتدا آقای تاج الدینی از اداره حقوقی شروع به صحبت کرد و گفت: « علت این گردهمایی تکمیل بخشنامه دولت بازرگان در مورد شوراهاست. نمایندگان با این برنامه مخالفت کردند و در جوابش گفتند: « منظور از شورا شرکت و نظارت فعال آن در تمامی سطوح راه آهن از بالاترین نقطه تا پایین ترین مسائل جاری آن می باشد و بخشنامه فرمایشی شورای انقلاب به هیچ وجه مورد قبول ما نمی باشد. ما این بخشنامه را از اساس رد می کنیم. ما خواهان ایجاد شوراهائی هستیم که

در تاریخ ۲۵ بهمن ماه جلسه‌ای به دعوت مدیریت راه آهن با شرکت ۶ نفر از نمایندگان قسمت‌های مختلف این واحد تشکیل شد در این جلسه ابتدا آقای تاج الدینی از اداره حقوقی شروع به صحبت کرد و گفت: « علت این گردهمایی تکمیل بخشنامه دولت بازرگان در مورد شوراهاست. نمایندگان با این برنامه مخالفت کردند و در جوابش گفتند: « منظور از شورا شرکت و نظارت فعال آن در تمامی سطوح راه آهن از بالاترین نقطه تا پایین ترین مسائل جاری آن می باشد و بخشنامه فرمایشی شورای انقلاب به هیچ وجه مورد قبول ما نمی باشد. ما این بخشنامه را از اساس رد می کنیم. ما خواهان ایجاد شوراهائی هستیم که

شورای مرکزی مخابرات

خواستار لغو قراردادهای امپریالیستی است

برگزاری گردهمایی گرفت و با وجود تهدیدهای مکرر از جانب وزیر و «انجمن اسلامی» اکثریت قریب به اتفاق کارکنان در روز ۱۶ بهمن ماه اجتماع کرده و مسائل و خواست‌هايش را مورد بررسی قرار دادند. شرکت کنندگان در گردهمایی خواست‌های کارگران و کارکنان مخابرات را به شرح زیر اعلام کردند:

- ۱- افشاء و لغو قراردادهای استعماری شرکت مخابرات (به ویژه قراردادهای مربوط به شرکت‌های امریکائی مثل جی. تی. ای. و...) .
- ۲- حق دخالت شورادر امور شرکت مخابرات.
- ۳- محکوم کردن اقدامات یکجانبه و اخلاک‌گراانه وزیر و دارودسته اش جهت انحلال شورا.
- ۴- برکناری رؤسای رستاقیزی و سرسپرده رژیم گذشته.
- ۵- محکوم کردن نحوه تصفیه و انتصاب در شرکت مخابرات.

به دنبال برکناری آقای اسلامی وزیر سابق پست و تلگراف و تلفن (که شورای مرکزی کارکنان مخابرات سهم موثری در این برکناری داشت) شخص دیگری به نام دکتر قندی با پشتیبانی «انجمن اسلامی» آن وزارتخانه به وزارت منصوب شد. وزیر جدید نیز به نوبه خود، موسسین «انجمن اسلامی» را که در رژیم گذشته روسای کانون‌های حزب رستاقیز بودند، به عنوان هیئت مدیره شرکت منصوب نمود و وظایف مهم اداری را به آنان سپرد. آقای قندی از همان آغاز کار به مخالفت با شوراها و به ویژه شورای مرکزی کارکنان برخاست و آنان را ضد انقلابی خواند و تهدید به تصفیه و اخراج نمود. وی خود سرانسه از ورود نمایندگان کارکنان به جلسه‌ای که جهت بررسی مشکلات شرکت تشکیل شده بود، جلوگیری به عمل آورد. به دنبال آن، مجمع عمومی نمایندگان تصمیم به

برگزاری گردهمایی گرفت و با وجود تهدیدهای مکرر از جانب وزیر و «انجمن اسلامی» اکثریت قریب به اتفاق کارکنان در روز ۱۶ بهمن ماه اجتماع کرده و مسائل و خواست‌هايش را مورد بررسی قرار دادند. شرکت کنندگان در گردهمایی خواست‌های کارگران و کارکنان مخابرات را به شرح زیر اعلام کردند:

- ۱- افشاء و لغو قراردادهای استعماری شرکت مخابرات (به ویژه قراردادهای مربوط به شرکت‌های امریکائی مثل جی. تی. ای. و...) .
- ۲- حق دخالت شورادر امور شرکت مخابرات.
- ۳- محکوم کردن اقدامات یکجانبه و اخلاک‌گراانه وزیر و دارودسته اش جهت انحلال شورا.
- ۴- برکناری رؤسای رستاقیزی و سرسپرده رژیم گذشته.
- ۵- محکوم کردن نحوه تصفیه و انتصاب در شرکت مخابرات.

شورای کارگران پروژه‌ای مجساران

خواهان ایجباد

شرکت ملی پروژه‌ای هستند

شورای کارگران پروژه‌ای (فصلی) مجساران از ماه قبل در جهت تشکیل کارگران و پیشبرد مبارزه با آنان تلاش می کنند. کارگران با کارفرما و با کمترین امکانات ساختمان متروکهای را بازسازی کرده و آن را به محل (کانون) شورا و مرکز تجمع خود تبدیل نمودند. شورا برای احقاق حقوق کارگران بیکار بارها با فرماندار، استاندار، امام جمعه و رئیس شرکت گفت و شنود کرده بی نتیجه ماند. روز ۲۲ بهمن سالگرد قیام پرشکوه خلق‌های ایران طی راهپیمائی که با شرکت ۲۰۰۰ نفر از کارگران پروژه‌ای ترتیب یافت و خواست‌های کارگران بدین ترتیب اعلام شد:

- ۱- ایجاد کار بدون سرمایه‌های امپریالیستی، قطع دست‌پایانکاران و دلان.
- ۲- پرداخت حق بیمه بیکاری برای کلیه کارگران بیکار.
- ۳- تامین درمان رایگان برای عموم کارگران و زحماتشان.
- ۴- کنترل قیمت‌ها بخصوص ارزاق عمومی به شیوه اصولی (شیوه‌های معمولی از قبیل پرونده سازی و تعقیب بازاریبان و کسبه خرده‌ها محکوم شده است).
- ۵- ایجاد شرکت ملی پروژه‌ای ایران.

در روز ۲۳ بهمن کارگران برای تحقق خواست‌های خود در فرمانداری متحصن شدند. فرماندار ورود استان مجساران برای درهم شکستن مبارزات

کارگران توطئه‌های جدیدی را تدارک دیدند. آنها برای اولین بار در نماز جمعه حضور یافته و نمازگذاران را بر علیه کارگران بیکار تحریک نمودند. فرماندار، شورای کارگران پروژه‌ای را لانه جاسوسی نامید. سپس از اتمام نماز جمعه با تحریک حساسات مذهبی مردم به اتفاق گروهی از آنان به محل شورا حمله می کنند. سناها سداران نیز در حالی که به تیراندازی هوایی می پرداخت به جمع آوری مدارک و پرونده‌های شورا پرداخت. پس از اشغال محل شورا مهاجمین به سوی فرمانداری محل تحمّن حرکت کردند و با پرتاب سنگ و باجوب و چماق به کارگران بیکار هجوم آوردند. پاسداران ابتدا با تیراندازی هواشی و سپس با پرتاب گاز اشک‌آور و تیراندازی زمینی به مقابله با کارگران پرداختند که منجر به اصابت گلوله و مجروح شدن سه نفر از کارگران شد. پاسداران ۱۶ نفر از متحصنین را بازداشت و زندانی کردند که تحت فشار کارگران مجبور شدند آنها را آزاد کنند.

کارگران در ادامه مبارزات خود به راهپیمائی پرداختند و شعار «کارگر، کارگرستون انقلاب است، سرمایه‌دار مزدور دشمن انقلاب است» به سوی فرمانداری حرکت کردند و باز در آنجا متحصن

شوراشد. جالب است بدانید که یک لیست از گاندیدهای مورد نظر خود را ارائه داد و تاریخ انتخابات را نیز مشخص نمود. ولی اکثریت کارگران معتقد بودند، از آنجائی که هیئت نمایندگان مورد تأیید آنهاست انتخابات حداقل تا عید به تعویق بیافتد. چراکه مسائلی همچون طرح طبقه بندی مشاغل و خود ویژه نیمسال دوم پیش روی آنهاست و می‌بایست به آن بپردازند. از آنجائی که انجمن اسلامی با این نظریه مخالف بود، کارگران دست به جمع آوری مواز زدند. از ۴۲۲ کارگر حدود ۳۷۴ نفر جزوا مذاکندگسان بودند. به این ترتیب هیئت نمایندگان موقت بعد از یک وقفه کوتاه دوباره کار خود را آغاز کرده است.

سپهانی - بعد از قیام طی انتخاباتی که صورت گرفت "هیئت نمایندگان موقت" تشکیل شد. این هیئت که منتخب کارگران بود اقدامات مثبتی از جمله بالا بردن دستمزد و حق مسکن، گرفتن سود ویژه، گرفتن مابه‌التفاوت ۶۷٪ پیمان و... انجام داد. هیئت نمایندگان نزدیک به دو ماه پیش اساسنامه پیشنهادی برای تشکیل شورا ارائه داد که مورد قبول اکثریت کارگران قرار گرفت ولی انجمن اسلامی تازه تاسیس به شدت با آن مخالفت کرد. انجمن اسلامی در پی تعقیب همین سیاست خود به سمپاشی علیه هیئت نمایندگان پرداخت و جلسات مکرری در همین رابطه برپا نمود و خواستار انتخابات



سازشکاران بدانند،

کارگران بیدارند

راهپیمایی چهارشنبه ۱۵ اسفند کارگران علیه امپریالیسم و سازشکاران یک بار دیگر آگاهی و قدرت کارگران را به نمایش گذاشت

حمایت مردم برخودار بودند. آنان پس از طی مسیر راهپیمایی در مقابل "مرکز جاسوسی آمریکا" اجتماع کردند. در آغاز "سرود کارگر" خوانده شد و سپس حجت الاسلام "موسوی خوئینی" سخنرانی کرد. خوشبینی در قسمتی از سخنان خود گفت: "باید کارگران مابیش از هرکس، احساس دشمنی و خشم و کینه مقدس علیه امریکای جهانخوار داشته باشند، که دارند"

در پایان قطعنامه کارگران قرائت شد. در این قطعنامه کارگران ضمن "ابراز انزجار شدید خویش از امپریالیسم جهانخوار آمریکا، خواستار قطع تمامی وابستگی‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی از امپریالیسم و استرداد شاه جهانپنار و اموال به غارت رفته مردم و ملی شدن کلیه "سرمایه‌ها" شدند. در قسمت دیگری از قطعنامه، کارگران بر امر "گسترش و حمایت همه‌جانبه از تشکیل شوراهای وطن سازشکاران از صفوف خود تاکید نموده و "ایجاد گسترش صنعت مادر و رشد صنایع ملی و در ارتباط با آن رهائی از قید صنایع وابسته و مونتازو برنام‌ریزی قاطعانه برای حل مشکل بیکاری" را خواستار شدند.

در پایان شرکت نمایندگان منتخب کارگران در تمام ارگان‌های تصمیم‌گیری مورد تاکید قرار گرفت و قاطعانه لغو "قوانین ضدکارگری" را خواستار شدند. کارگران اعلام کردند که "قانون کار جدید" می‌باید توسط نمایندگان منتخب آنان تهیه و تدوین شود.

وسرمایه‌داران لیبرال رادشمنان انقلاب و زحمتکشان معرفی کردند و خواستار افشای آنان شدند. آنها نشان دادند که به راستی زحمتکشان بیدارند. و مصممند که برای ساختن ایران آزاد و دمکراتیک تا به آخر به مبارزه ادامه دهند. این راهپیمایی قشقت محکمی بود بر پیوسته سرمایه‌داران لیبرال و سازشکاران و بار دیگر علیه تمام سفسطه‌ها و دسیسه‌های جناح لیبرال و سازشکار که با استفاده از وسایل ارتباط جمعی و دیگر امکانات تبلیغاتی خود می‌کوشیدند اهمیت افشاکاری‌های نیروهای ضدامپریالیست و ضدانقلابیون کمونیست را بی‌بها کرده و کارگران و زحمتکشان را نسبت به آنان بدبین سازند. با بانکی راست از بلندگوهای سازشکاران، خواست می‌لین‌ها کارگر و زحمتکش ایرانی را در پشتبانی قاطع از ادامه افشاکاری‌ها و حمایت از نیروهای ضدامپریالیست و انقلابی اعلام کردند و آن را اثبات نمود.

کارگران بار دیگر به سرمایه‌داران لیبرال و سازشکاران نشان دادند که دیگر عوام‌فریبی‌های آنان نمی‌تواند امواج خروشان مبارزه ضدامپریالیستی مردم ایران را به بند کشد و آن را مهار کند. کارگران نشان دادند که مبارزه ضدامپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران پرخروش‌تر و پرتوان‌تر از همیشه موانع را درهم می‌کوبد و عمیق‌تر می‌شود.

کارگران که به سوی "مرکز جاسوسی آمریکا" راهپیمایی می‌کردند، در مسیر خود از

بعد از ظهر چهارشنبه ۸ اسفند ماه به دعوت "شوراهای اسلامی کارگران" هزاران تن از کارگران از نقاط مختلف تهران در میدان انقلاب می‌بودند. امام حسین اجتماع کردند تا علیه امپریالیسم امریکای سازشکاران راهپیمایی کنند. کارگران در این راهپیمایی حمایت خود را از ادامه افشاکاری‌ها اعلام کردند و قاطعانه خواستار ادامه افشاکاری‌ها شدند.

کارگران ساکن کرج، شهریار، شهرری، ورامین و نقاط دورافتاده تهران نیز در این راهپیمایی شرکت داشتند و با تمام وجود نفرت و انزجار طبقه کارگر و زحمتکش ایران را نسبت به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکادوستان و جاسوسان آنان ابراز می‌داشتند.

کارگران با فریاد "نه سازش، نه تسلیم، نبرد با امریکا"، "مرگ بر امریکا، مرگ بر سازشکار"، "سازشکاران بدانند، کارگران بیدارند" اراده خلیل‌ناپد بر طبقه کارگر ایران را در پیشبرد مبارزه قاطع و بی‌بهره با امپریالیسم امریکا و جبهه سازشکاران و سرمایه‌داران لیبرال بیان داشته و نشان دادند که در جبهه نبرد با امپریالیسم امریکا و طبقه سرمایه‌دار ایران که با هزاران رشته با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا پیوند دارد طبقه کارگر در جبهه مقدم این مبارزه قرار داشته و تنها نیرویی است که خواهان پیشبرد این مبارزه بطور پیگیر و تا به آخر می‌باشد.

کارگران با هوشیاری انقلابی و به‌درستی، سازشکاران

کارگران طرح شورای انقلاب درباره

سود ویژه را رد کردند و آنرا ضد کارگری دانستند

با پیدای نظر شورای انقلاب راجع به سود ویژه و اصلاح به وزارت کار برای اجرای آن در کارخانجات

فکس العمل‌های متفاوتی را در میان کارگران برانگیخت، از آن جمله در کارخانه تولیدی ساکا، سندیکای کارگران که مورد حمایت اکثریت کارگران است تصمیم گرفت طی جلسهای با شرکت کارگران طرح شورای انقلاب را مورد بررسی قرار دهند. در این جلسه که با حضور ۶۰ کارگر برگزار گردید، کارگران و نمایندگان آنها، ایرادهای زیر را به آن وارد می‌دانستند

۱- شورای انقلاب طرحی را ارائه داده است که در زمان طاغوت و به وسیله مجیدی‌ها و معینی‌ها تهیه شده است. به اجراء در آوردن این طرح در شرایطی که همه جاسوبت از مبارزه با امپریالیسم جهانی و سرمایه‌داری وابسته است چیزی نیست جز تشبیه قوانین نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم

۲- با توجه به افزایش هزینه زندگی که بیشترین فشارش بر روی کارگران زحمتکش مهربان می‌باشد و از طرفی ما هر روز شاهدیم با لافرتن نرخ ارزاق عمومی هستیم، مبنای حقوقی سال ۱۳۵۶ نمی‌تواند ملاک قرار گیرد. چراکه تخم مرغی که سال گذشته دانه‌های ۵ ریال بود امروز اگر پیدا شود ۱۵ ریال است. بنابراین مبنای حقوقی باید بر اساس شرایط موجود یعنی سال ۱۳۵۸ باشد.

۳- حق نظارت و پرداخت سود ویژه راه سرپرست‌ها و دیگر عناصر کارفرما و اگزار کرده‌اند. در حالی که کارگران بهتر از هرکس می‌دانند که در رژیم سابق سرپرست‌ها و دیگر عناصر به خاطر خوش خدمتی به کارفرما حق راناجسب می‌کردند. بنابراین سود ویژه

۴- مسئله انضباط و بهره‌وری در طرح شورای انقلاب باعث می‌شود که بین کارگران دودستگی افتاده و بدبین‌ترین کارگران رودرروی هم قرار گیرند و این کار باعث لطمه زدن به اتحاد و تشکلی کارگران می‌شود.

۵- با ذکر دلایل فوق در آن جلسه کارگران طرح شورای انقلاب را رد کرده و آن را ضد کارگری دانستند. کارگران از سندیکای خواستند که سود ویژه بدون کم و کاست و ۱۰۰ روز بدون مالیات و بر مبنای حقوقی کارگران در سال ۱۳۵۸ پرداخت گردد و اگر غیر از این باشد، کارگران زیر بار این طرح طاغوتی نخواهند رفت چرا که سود ویژه چیزی نیست جز قسمتی از حقوق کارگران که رژیم گذشته آن را برای فریب کارگران به شکل سود ویژه پرداخت می‌کرد. تا شدت استعمار را بیشتر کند. بعد از پایان جلسه کارگران این مسئله را با کارگران کلیه قسمت‌ها در میان گذاشتند سپس این خواست خود را طی طوماری امضاء شده به اطلاع هیئت مدیره سندیکارسانده و از آنها خواستند که به خواستایان رسیدگی کنند. نمایندگان کارگران طی چند روز مذاکره با مدیریت سرانجام موفق شدند که طرح خودشان را در مقابل طرح شورای انقلاب به مدیریت تحمیل کرده و سود ویژه خود را بر مبنای حقوقی سال ۱۳۵۸ و ۱۰۰ روز بدون مالیات دریافت کنند.

سود ویژه در تاریخ ۲۱ بهمن ۵۸ بر اساس طرح کارگران و نظارت آنان به وسیله سندیکای کارگران پرداخت گردید.

شورای کارگران پروژهای کچساران ...

شدند. فردای آن روز گروه‌های مختلف دانش‌آموزان و کارگران شاغل صنعت نفت به جمع متحصنین پیوستند. ظهر روز شنبه ۲۷ بهمن سرمایه‌داران و حامیان مزدورشان عده زیادی از عشاير ناآگاه را تسلیح و بسیج کرده و کارگران را از دو طرف تحت محاصره قرار دادند. سپاه پاسداران نیز در این محاصره شرکت نمود.

بقیه از صفحه ۶

آیا بیکاران نباید عید داشته باشند؟

رئیس جمهور چیز دیگری نشنیدیم. همانطور که در نامه سرکشاده نوشته بود، ما دو هفته به رئیس جمهور مهلت دادیم ولی به وضع ماتوجه نشد.

خواست حداقل ما ۱۰ هزار تومان وام برای گذرانیدن شب عید می‌باشد.

کارگران بیکار تهران

کنیم. لااقل عید را پیش خانواده خود شرمند نباشیم. در یک سال گذشته ما از دولت موقت و شورای انقلاب جز وعده و وعید هیچ، توطئه‌های تفرقه افکنانه و کشتار و مارک زدن چیز دیگری ندیده‌ایم. پس از مراجعات مکرر به دفتر رئیس جمهور جز جواب در تلویزیون که باز وعده و وعید بود و جواب سرها لا از آقای مومنی رئیس دفتر

دوستان کارگسر ما کارگران ساختمانسی در تاریخ ۲۵ بهمن ماه ۵۸ نامه‌های سرکشاده به آقای بنی صدر، رئیس جمهور نوشتیم. در آن نامه از ریاست جمهوری خواستیم که با توجه به گرانی و فشار زندگی و فرارسیدن عید نوروز ما احتیاج داریم کفش و کلاه برای فرزندان خود، قوت لاموتی برای دلپندان خود تهیه

انگاه فرماندار اردادستان به محل تحصن آمدند و ظاهرا جهت مذاکره ما ماعلا به فحاشی و تهدید پرداختند. دادستان به نمایندگان کارگران اظهار داشت که اگر شما شکستن تحصن را اعلام نکنید ما با ۵ هزار عشاير مسلح آماده مقابله هستیم. کارگران برای جلوگیری از تشنج و درگیری به تحصن خود خاتمه دادند.

بر خورد قاطع شورای انقلابی کارخانه «ایرفو» با شورای انقلاب اسلامی ایران تجلی قاطعیت طبقه کارگر در مبارزه با طبقه سرمایه دار

شورای انقلاب که در مباحثات و مذاکرات جاری نتوانسته بود شورای انقلابی کارخانه را فریب دهد و مطیع سازد، به همراه اکثری شورای کارخانه را متهم می کند که شورانمایند کارگران نیست. شورای کارخانه خواستار تحقیق نمایندگان شورای انقلاب از کارگران می شود. کارگران در مقابل نمایندگان اعزامی شورای انقلاب چنین گفتند:

"ما شوراداریم. حرفمان حرف شورا است. چیزی بیش از این نداریم که بگوئیم. به شورای خویش ایمان داریم. اگر زمانی هم شورا به منافع ما پشت کرد، آنوقت طور دیگری با شورای کارخانه رفتار خواهیم کرد."

شورای انقلاب اسلامی وقتی نتوانست کارگران را مطیع خویش سازد، راه سکوت و عدم رسیدگی را انتخاب کرده و رسیدگی به خواست کارگران را پشت گوش انداخت. شورای کارخانه طی نامه ای از مهندسین بازرگان خواست که نمایندگان شورا ملاقات کند. بازرگان در ده دقیقه وقتی که داد کارگران را متهم کرد که در کار مدیرعامل و هیئت مدیره دخالت می کنند و این دخالت عملاً "اخلالگرانه" است.

شورای کارخانه پس از بی نتیجه ماندن مراجعات مکرر به شورای انقلاب، اداره کار و غیره و پس از مذاکرات با بازرگان و دیگر مقامات مملکتی که بی نتیجه پایان می گرفت، برای اتخاذ تصمیمات لازم، کارگران را احضار کرد و طی مباحثاتی قرار بر این شد اگر موجودی شورا آزاد نشود کارگران موظفند با لباس کار و عکس سهام داران کارخانه که خود مقامات عالی حکومتی هستند، به محل شورای انقلاب و از آنجا به قم راهپیمایی کرده و پیش امام بروند و سهام داران حامیان آنها را در پیشگاه مردم رسوا کنند.

تصمیم قاطع شورای کارخانه و حمایت بی دریغ کارگران از آن، مدیرعامل سابق و سهام داران و شورای انقلاب را به وحشت انداخته و به ناچار، قلیزاده موجودی مسدود شده را آزاد کرد

از سوی دیگر شورای انقلاب برای جلوگیری از راهپیمایی به قم، تلفنی به کارخانه اطلاع داد که نظرات شورای کارخانه را می پذیرد. اکثری مدیرعامل جدید به کارخانه اعزام شد تا زیرنظارت عالیه شورای کارخانه به کار و فعالیت بپردازد. بدین ترتیب شورای کارخانه در دور اول مبارزه، بر دسایم و توطئه های سرمایه داران لیبرال غلبه کرده و پیروزی شود.

مدیرعامل جدید بعد از نزول اجلال به کارخانه دونفر از مفتخوران به نام حبیبی (مدیر امور مالی) و بیژنی (کارمند دادگستری) را که بعد از تشکیل شورای انقلابی کارخانه فرار کرده بودند، بدون اطلاع شورا به همکاره دعوت می کند و قول می دهد که حقوق ۲۲ روزی را که در کارخانه نبوده اند به آنان پرداخت کند.

کارگران که بارها دیده بودند که اگر سه روز سرکار نیابند اخراج می شوند، از اکثری خشمگین شده هر سه نفر را دستگیر و زندانی می کنند و مجدداً از اکثری می خواهند که زیر نظر شورا کار کنند.

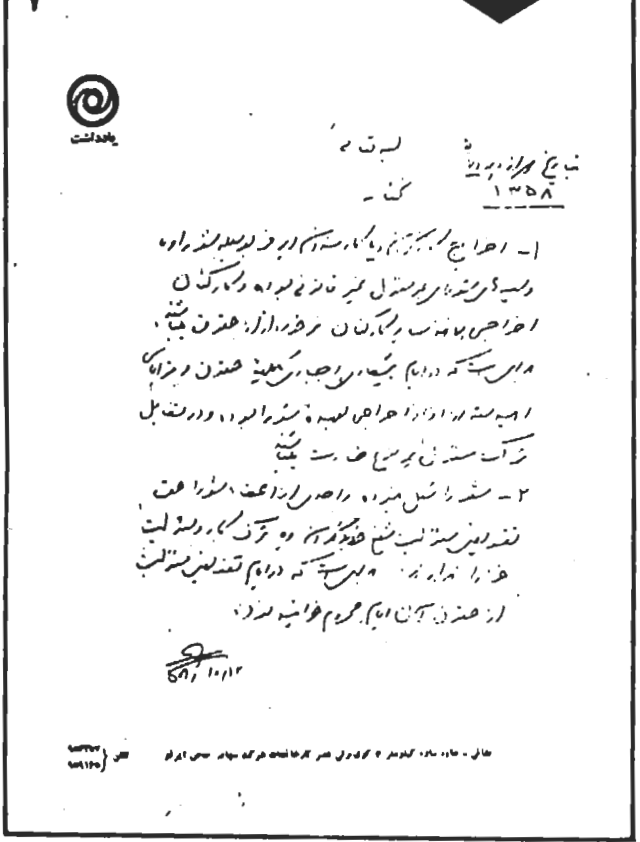
متعاقب اقدام کارگران نماینده دادستانی به همراه ۱۲ پاسدار به کارخانه می آید و پس از تهدید شورا وقتی که می بینند نتیجه ای از آن به دست نمی آید، بر اثر مقاومت شورا سه نفر را آزاد می کنند. شورا در تاریخ ۱۵ دیماه با زنگشت اکثری به کارخانه را مشروط به پذیرش کتبی خواست های زیر از جانب او می کند:

- ۱- پرداخت سود ویژه تا آخر ماه
- ۲- تامین مواد اولیه در فاصله ۱۰ روز
- ۳- مدیرعامل موظف است حداقل یکسال، روزی ۸ ساعت در کارخانه کار کند.
- ۴- به کنترل مالی و حسابرسی شورا پاسخ دهد
- ۵- زیر نظر شورا کار کند.
- ۶- تأیید و امضای شورا را زیر برگ خروجی محصولات فروخته شده بپذیرد
- شورا در مقابل مخالفت مدیران عامل و هیئت مدیره،

از وزارت صنایع و معادن خواستار ملی شدن کارخانه می شود. قلیزاده که در مقابل خواست های جدید شورا قرار گرفته بود، در تاریخ ۱۲ دیماه، بخشنامه تهدید آمیزی صادر می کند (سند شماره ۳) و طی آن کارشورا را "غیرقانونی" اعلام می کند.

(قسمت آخر)

سند شماره ۳



تحت محاصره می گیرند. پاسداران ساختمان اطراف کارخانه را اشغال و در آن سنگر می گیرند. در این هنگام شورا دستور می دهد کارگران ورود به کارخانه را زیر کنترل کامل خود در آورند.

حدود ساعت ۱۰ شب یکی از پاسداران با بلندگو اخطار می کند که کارگران ۱۰ دقیقه وقت دارند که سرمایه داران را آزاد کنند وگرنه همه کارگران به رگبار بسته می شوند. پاسداران آماده پرتاب گاز اشک آور می شوند.

شورا به پاسداران دستور می دهد که از محوطه کارخانه خارج شده و از محاصره کارخانه دست بکشند. در غیر این صورت سرمایه دارانی را که دستگیر شده اند، همچنان در

گروگان خواهند داشت. استواری و قاطعیت شورا به کارگران نیروی جدیدی داد. کارگران خشمگین فریاد می زدند: "ما پاسدار نمی خواهیم" "پاسدار از محوطه اخراج باید گردد." در نتیجه مقاومت کارگران نماینده کمیته ۱۲ خواستار مذاکره با شورای کارخانه شد. کارگران که صحبت های یکماه پیش او را به خاطر داشتند، فریاد می زدند که "ما به شما ایمان نداریم" نماینده کمیته ۱۲ در نتیجه مقاومت کارگران و حمایت مردم محلات مجاور به ناچار کار پاسداران ارتجاعی را محکوم می کند. شورا پس از این امر مذاکره را می پذیرد و پس از پایان مذاکرات مهندسین قلیزاده در برابر شورا کتبا تعهد می کند:

- ۱- اکثری از مدیر هیئت عامل کارخانه برکنار شود.
- ۲- قلیزاده هفته ای نصف روز به شرکت آمده و زیر نظر شورا با آن همکاری کند.
- ۳- شورا نظارت عالیه بر کارخانه داشته و تام الاختیار می باشد. تمام مسئولیت های ناشی از اداره کارخانه به عهده شورا است.
- ۴- اگر امضاء شورا زیر اسناد شرکت نباشد، اسناد از درجه اعتبار ساقط است.
- ۵- یکی از حسابرسان به سمت مدیر امور مالی پذیرفته می شود. (این حسابرس توسط قلیزاده تحت فشار قرار گرفته بود)

پس از توافق کتبی شورا با قلیزاده، شورا دستور آزادی سرمایه داران را صادر کرد و دوم مبارزه خود را با پیروزی به پایان می رساند.

قاطعیت شورای کارخانه رهبری اصولی مبارزه کارگران به وسیله شورا، ضمانت کامل کارگران از شورا، در مجموع سبب پیروزی شورا بر شورای انقلاب، دار و دسته بازرگان پاسداران و کمیته ها می شود. به ویژه که کارگران در مسیر مبارزه خویش به پاسداران نشان دادند که این قانون سرمایه داری است که آنان را به پاسداران منافع سرمایه داران تبدیل می کند.

پرتوان با دجنش طبقه کارگر، پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران



یورش وحشیانه پاسداران کمیته ۱۰ تهران

به کارگران کارخانه حریر

روز شنبه ۱۳ بهمن وقتی کارگران وارد کارخانه شدند، ۲۵ نفر از ادله کمیته ناحیه ۱۵ به همراهی گروه‌های ضربتی از پادگان‌های عشرت آباد و سلطنت آباد در کارخانه مستقر بودند. پس از ورود کارگران به کارخانه، ابتدا افراد کمیته برای اینکه بتوانند کارگران را از هم جدا نمایند و تعداد آنها را تقلیل دهند، گفتند: "کارگران صبح کار به سر کار بروند و کارگران شیفیت بعد از ظهر بروند و وقت کار خود بیایند."

اما تمام آثار و علائم نشان می‌داد که این حرف برای تقلیل تعداد کارگران گفته می‌شود و در پس آن چیزی نهفته است. از همین رو کارگران پیشرو این را نپذیرفتند و گفتند: "بعد از اینکه شما محیط کارخانه را ترک کردید و رفتید ما هم در شیفیت‌های خود کار خواهیم کرد. کمیته‌های هاوقتی با مقاومت کارگران روبرو شدند، دوفتر از نمایندگان فعال را به دفتر کارخانه بردند و گفتند: "شما در اینجا نباید کار کنید اما موقتاً در همین جا (دفتر) بمانید" دو کارگر آگاه قبول کردند و در دفتر نشستند. اما پس از مدتی متوجه شدند که کمیته‌ها قصد دارند آنها را از در پشت

کارخانه خارج کرده و باز داشت کنند. آن دو با مشاهده این وضع دفتر را ترک می‌کنند و به جمع کارگران می‌پیوندند. در این موقع حدود ۵۵ نفر کارگر در کارگاه مشغول کار بودند و در حدود ۴۵ نفر از کارگرانی که فضالانه از نمایندگان حمایت می‌کردند در یکی از قسمت‌های سالن جمع شده بودند و منتظر روشن شدن تکلیف خود بودند. دو کارگر آگاه نیز پس از ترک دفتر به جمع آنها پیوستند. کمیته‌ها با دیدن این وضع دور این کارگران حلقه زدند و در حدود نیم ساعت بحث و مجادله در میان آنها جریان یافت. بحث‌ها به‌تدریج پیرامون این بود که کمیته‌ها می‌خواستند از طریق حیل و فریب دو نماینده را از کارخانه خارج کنند. وقتی کمیته‌ها دیدند که از این طریق نمی‌توانند نمایندگان را دستگیر کنند، متوسل به شیوه‌های شدت که به احتمال زیاد از قبل پیش بینی کرده بودند. یعنی چند نفر از کارگران فریب خود طرفدار کارفرما را صدا کردند و علناً به آنها دستور دادند که به جمع کارگران حمله کنند. روشن بود که با حمله این عده کارگر

فریب خورده، شرایط مناسبی برای دخالت کمیته‌ها فراهم می‌آمد. کارگران بلافاصله دستها را به هم زنجیر کردند و نمایندگان را در وسط جمع قرار دادند. سه کارگر فریب خورده پیش آمدند تا به جمع کارگران حمله کنند. اما یکی از همان کارگران با فریب و خشونت در عین حال به شیوه آگاه‌گرانه با آنها صحبت کرد. وی به آنان گفت که چگونه فریب توطئه‌های کارفرما را خورده‌اند. دوفتر از آنان در حالیکه به شدت متاثر شده بودند و گریه می‌کردند، خود را کنار کشیدند و رفتند. اما نفر سوم به چند تن از کارگران حمله کرد. با حمله این شخص کمیته‌ها هم شرایط را آماده دیدند و با قنداق تفنگ، مشت و لگد به کارگران حمله کردند. مقاومت و پایداری کارگران و اتحاد و همبستگی شان بی‌نظیر بود. با وجود اینکه دستهای زنجیر شده کارگران زیر ضرب قنداق تفنگ قرار گرفته بود و حتی خون از دستانشان جاری شده بود، همچنان مقاومت می‌کردند و نمایندگان را در حلقه خود گرفته و آنان را محافظت می‌کردند. بالاخره با یورش

وهرکس به نحوی آن را بیان می‌کرد. کارگری از یکی از سنگبری‌ها خود را به آنجا رسانده بود. در میان جمعیت فریاد می‌کرد: "این اسلحه‌ها را سال پیش خود مان به دست او نهادیم. اما امروز با همین اسلحه‌ها توی سر ما می‌زنند. امروز کارگران حریر و حتماً فردا هم توی سر ماست."

کمیته‌ای‌ها خود را در میان انبوه جمعیت خشمگین می‌بینند هر یک چیزی می‌گویند. اما همه یکصد در سرزنش و تکیه بر کمیته‌های هاست. راننده یکی از ماشین‌های کرایه با عصیانیت و فریاد پیش می‌آید و از مردم استدعا می‌خواهد که کارگران زخمی را به بیمارستان برسانند. او رو به کمیته‌ای‌ها می‌گوید: "اگر دست به اینها بزنید (با اشاره به نمایندگان که کف خیابان افتاده‌اند) خونستون کردن خود تونه."

سپس با کمک جمعی از مردم، نمایندگان را در ماشین می‌گذارند و با عجله و سرعت هر که را ترک می‌کنند. کمیته‌ای‌ها حسابی ترسیده بودند و به آهستگی خود را از میان جمعیت دور می‌کردند. کارگران پیشرو در میان جمعیت علت را توضیح می‌دادند و مردم بالعلن و بغیرین کارفرما و کمیته‌ای‌ها را سرزنش می‌کردند. همه از خشم سرشار بودند.

شده بود که چرا اینها از تهران پاسدار برای کارگران می‌برند. یاد زمان شاه افتادم که سربازان تهرانی را به کردستان می‌بردند و کردها را به تهران برای سرکوب می‌آوردند. به تهران می‌آمدیم با همان مسئله همیشگی جامعه سرماهداری و فقر و بیکاری و هزاران بدبختی دیگر، اما این بار در پیش خود سربلند بودیم.

بهراستی این مزدوران چه فکری کردند؟ باید بگویم ما اگر فقر را قبول می‌کنیم به این علت است که نمی‌خواهیم نان بی شرافتی را بخوریم. اما اینان چه کسانی هستند که فکری کنند چون ما جوانانی با ایمان هستیم، می‌توانیم آلت دست آنها باشیم؟

بود که چرا اکنون که در سراسر ایران بیکاری هست، اینها از تهران استخدام می‌کنند و از همان گیلان استخدام نمی‌کنند در کارخانه چوگا سروانی به نام اخلاقی آمد که درباره کار صاحب کند که اول شروع کرد به فحش و بدویراه گفتن به کارگران و بعد به ما گفت: "شما به اسلام و انقلاب ایمان دارید و اجازه نمی‌دهید کسی به اسلام حمله کند." اخلاقی ادامه داد و گفت: "محافظت از کارخانه در مقابل تظاهرات کارگران، محافظت از اسلام و انقلاب اسلامی نیز هست و بعد گفت: "اینها حتی پاسداران انقلاب را هم قبول ندارند، یعنی چه؟ یعنی امام را هم قبول ندارند. در شوروی

یعنی طبقه کارگر بود. چندی پیش شنیدم که سپاه پاسدان منطقه ۱۳ عده‌ای را برای وزارت صنایع و معادن گیلان استخدام می‌کند. ما نیز استخدام شدیم. به ما گفتند کارشان گیلانی است. سه ساعت روز و سه ساعت شب و وابسته به هیچ کجانبستید. (منظور سپاه پاسداران و کمیته بود.) ۱۳ نفر از ما که بیشتر از باخچی آباد و نازی آباد بودند، انتخاب کردند و چند روز بعد ما را به چوگا (بالا تر از بندرانزلی) فرستادند اما برای من این سؤال مطرح

نامه یک کارگر بیکار

از یاخچی آباد

۲۲ سال دارم. از بچه‌های یاخچی آباد تهران هستم. با معافی، دیپلم و بیکار. مدتهاست که بی قرار برای یافتن کار به هر سو ترمی کشیدم و هر کجا که اسمی از کارفرما می‌شنیدم، کفش و کلاه می‌کردم و راه می‌شدم ولی هر بار دست از یاد راز ترسای انبوهی از قرض و شرم به‌خانه بازمی‌گشتم. ولی این به آن همان بود که من برای پول و درآمد تن به هر کاری بدهم. درست است که من شرم داشتم اما شرف هم داشتم و تمام وجودم عشق به طبقه خودم

به دعوت مشترك سندیکای کارگران خیاط و سندیکای کارگران کفاش جشن بزرگداشت قیام برگزار شد

از طرف سندیکای کارگران کفاش و کارگران پیشرو بافنده سوزنی قرائت گردید. در قسمتی از پیام سندیکای کارگران قناد آمده است: "در شرایط فقدان رهبری طبقه کارگر، مبارزات ضد امپریالیستی-دمکراتیک خلق ما که هر روز اوج تازه‌ای می‌یابد

از قبیل "امپریالیسم خونخوار همیشه دشمن ماست"، "مرگ بر آمریکا"، "افشای امریکائی باید ادامه یابد" در آسمان طنپین می‌انداخت، بهیچگونه عزم کارگران در عمق بخشیدن به مبارزات ضد امپریالیستی-دمکراتیک بود. در این گردهمایی پیام‌هایی

و کلیه مبارزین که برای بنای ایرانی آزاد و دمکراتیک جان خود را فدا نمودند. مقالات متعددی از سوی کارگران خوانده شد که در آنها علت قیام و چگونگی مبارزات توده‌های مردم پس از قیام تحلیل گردید. فریاد‌های پرخروش کارگران که با شعارهایی

صداهای کارگران محفوف خیاط و کفاش به مناسبت حماسه تاریخی خلقهای قهرمان ایران، قیام ۲۲ بهمن ۵۷، مراسم بزرگداشتی برپا نمودند در این مراسم که در تاریخ ۱۹ بهمن ماه و در محل سندیکا برپا شد، ضمن تجلیل از شهدای قیام پرشکوه بهمن ماه

ده روز در بازداشت پاسداران انقلاب اسلامی درگنبد

گزارشی که سومین قسمت آن را می خوانید، یادداشت های یکی از هواداران سازمان است، که در بازداشت پاسداران انقلاب اسلامی بود و ما عین یادداشت ها را تماما به چاپ می رسانیم.

(قسمت سوم)

جرم نیست. من توی روستاها جاده می کشیدم. تهرانی پرسد: - بولدزر مال کی بود؟ - مال ستاد. - پولش را از کجا آورده بودند؟ - از ۲۰٪ خریدها بودند. برای روستائی ها جاده می کشیدند. بعد روستائی ها جقدر خوشحال بودند. هر جامی ریگتوی دهات جلوی بولدزر گرفتند می کشیدند. تهرانی حسابی عصبانی شده بود. به کاپشن تن راننده اشاره کرد. - حتما این راهم از ۲۰٪ برای خریدند. - نه قربون. من ماهی سه هزار تومان پول می گرفتم. من واسه شیزاها جاده می کشیدم. تهرانی فریاد زد: - نه. با بولدزر واسه اوناسا سنگر می کنیدی. فهمیدی پانه؟ واسه دشمن سنگر می کنیدی. - نه خیر واسه دهقانان جاده می کشیدم. - نه سنگر می کنیدی. - سنگر چه؟ چرا دروغ می گی؟ من رفتم. تهران واسه بولدزر رو سیل بخرم. تازه برگشته بودم. از مینی بوس پیاده شدم. داشتم می رفتم خونه جلومو گرفتند. یکی منو کشید عقب به پاسدارها گفت: - اینو جلوی ستاد بدهم. من گفتم: - معلومه که دیدی. من راننده بولدزر ستاد هستم. دیگه شوق القمر که بگردی. مرا هول دادند روی خاکها بعد گلنگدن را کشیدند. فحش دادند. گفتند "الان می بندیمت به رگبار. زخم صدای منوشید. اومد بیرون جیب کشید. هولش دادن تو. درو بستند. من ۹ نفرو تون می دهم. تهرانی گفت: - سه دیگه. - چی بنه؟ از جلوی خونه تا اینجا منورند. توی سرم توی شکم، توی پشتم.

با ما به پا چریکیم. از کوچ پس کوجه های می رویم می زیم وسطشون. پاسداران که متوجه کنجکاو می شده بودند، پرده های پارچه ای آوردند و از بیرون پنجره ها را بستند. دیگر جایی رانمی دیدیم. از آن پس فقط یک چیز زامی شنیدیم. جمله ای که در سرتا سر شبانه روز تکرار می شد. - میرپور فشنگ... - میرپور خشاب... - میرپور نارنج... - میرپور خشاب... - توهی فشنگ میدی. آخه منگه وقت ندارم خشاب بپرکنم. خشاب... خشاب... نارنج... حدود ظهر بود. یک نفر دیگر را آوردند. چشم ها پر از آبه بودند. ۴۰ ساله بود. خیلی قوی هیکل و تنومند. دستهای بزرگی داشت. پوست پلنگی هم آمد. بچه ها دیگه پیش می گفتند تهرانی. رو کرد به زندانی می دید و گفت: - چشم تو باز کن دستمال را از چشم باز کرد. آورد جلو و به تهرانی گفت: - بغرامین. مال برادران پاسدار است. تهرانی گفت: - نه قابلی نداره. نگهدار. لازمت میشه. حتما لازمت میشه. مطمئن باش. همه مقصودش را فهمیدند. دستمال خال خال سیاه داشت شکل دستمالی بود که به چشم شهر بارنا میزد. تهرانی رو کرد به من و گفت: - این رفیقت هم توی ستاد کار می کرد. رو کرد به اون. - خوب برای رفقا چکار می کردی؟ - راننده بولدزر بودم. چندبار به جاده سازندگی مراجعه کردم. کار بهم ندادن. ستاد شوراها کار داشت. منم رفتم آنجا. تهرانی گفت: - کار؟ بعله. "کار" که داشت. پس "کار" هم می خوردی. خوب دیگه بگو. - من نمی فهمم. کار که

بپرور می آورد که به طرف صف مردم بپردازد. عده ای مانع اومی توند. نارنجک چند دست می گرد و فیسبان خودشان منفجر می شود و همین مسئله بهانه ای می شود به دست آنها بی که آماده جنگ بودند. آماده بودند تا به صف مردم زحمتکش حمله کنند. آن شب تا صبح صدای گلوله یک دم قطع نشد. صبح یکشنبه خشونت پاسداران بیش از همیشه بود. همه خسته بودند. همه در حین راه رفتن چرت می زدند. نزدیک های ساعت ۸ عده از پادای از ترک آباد به راه آمدند جلوی ستاد شروع به داد و فریاد کردند که به ما اسلحه بدهید. پاسداران اول می خواستند آنها را بفرستند سراغ ارتش. میرپور می گفت: - بروید از ارتش بگیرید. ما هر چه داریم برای خودمان لازمه. یکی از آنها سرک کشید توی انبار. - اگه می، خدایا مرز این همه فشنگ، چرا حرم می زنی. خلاصه هر ترتیب بود حدود ۴-۵ نفر اسلحه گرفتند. صف کشیده بودند. میرپور توی انبار بود. یک پاسدار امضا می گرفت و پاسدار دیگر فشنگ می داد. ادامه صف درست از پشت اطاق وارد می شد. آهسته با هم صحبت می کردند یکی از بچه ها ترجمه کرد. به هم می گفتند: - فشنگ ها را که دیگه پرس نمی دهیم. فشنگ ها و نارنج ها رو هم تا می تونیم حرام نکنیم. فشنگ را دانای ۳ تومان می خرند. بعد امی فروشیم. یکی می گفت: - من دوتا نارنج قاپیم کردم. آنها فشنگ ها را گرفتند و رفتند. اما هر ساعت بر می گشتند و فشنگ می خواستند. شاید در همان یک روز ده بار مراجعه کردند. میرپور می گفت: - آخر این فشنگ ها کجا میره؟

بزشکیار گفت: - مرام به خودم مربوط است. عقیده آزاد است و به کسی مربوط نیست. بی اختیار یاد دکتورشوند افتادم. پیش خودم چندبار تکرار کردم کمک به دشمن. کمک به دشمن! پاسدار پوست پلنگی که توقع چنین برخوردی را نداشت وقتی دید حسابی خیط شده. است. برای لاپوشانی کردن قضیه به طرف من چرخید و با حالت مسخره ای گفت: - راستی رفقا بیت کجاستن؟ همانها که فرار کردند. بابی اعتنائی نگاهش کردم - نمیدانم. - ولی من می دانم. الان توی سنگر هستن و دارن می جنگن خیره نگاهش کردم. دندان ها پیش را به هم فشرد و گفت: - شانس بهارن زنده دستگیر نشن. دست روی نارنجک کمزش کشید. دوباره رو کرد به پزشکیار و گفت: - بسیار خوب. اگر زنده از اینجارتی شاهکار تو برای رفقا تعریف کن. دوباره در باز شد و یک نفر دیگر را آوردند. دهقان بود. گفتند اسلحه داشته است. یکی دیگر را آوردند. محصل بود. او را جلوی دروازه گنبد توی مینی بوس گرفته بودند آمده بود از صحنه های جنگ عکس بگیرد که پاسداران دستگیرش کرده بودند. پاسدار پوست پلنگی باز جوشی او را غاز کرد. محصل روحیه اش خوب بود. از این که بگوید چینی است و هوادار فدائی و اهمیت نداشت آن شب چهار نفر شدیم. پاسدار پوست پلنگی که گرفت خیرها مثل برق زد و بدل شد. تازمه فهمیدم در شهر چه گذشته است. مهمترین خبر قضیه نارنجک بود که قبلا پاسداران اشاره کرده بودند. موضوع از این قرار بود که در جریان راهپیمایی از میان گروهی از عناصر مزدور و وابسته به سرمایه داران و زمینداران که قصد خون کشیدن راهپیمایی مردم ترکمن را داشتند. یک نفر نارنجکی

بعد از ظهر وقتی از پاسدار محافظ خود سؤال کردم، با صدای گرفته ای گفت: - مدت ها ست جنگ شده. از ظهر به بعد آنچه نباید بشود شد. هنگام غروب بود. در باز شد و همان پاسدار پوست پلنگی با یک اسیر وارد شد. اسیر لباس های پاکتی بود. چشم ها پر از آبه بودند. او را کنار دیوار نگه داشت و خودش روی صندلی نشست. با چشم سیگاری آتش زد و بعد با یک حالت مصنوعی بلند شد. چشمان او را باز کرد. سعی می کرد خیلی شمرده حرف بزند. گفت: - خوب توجه کن. اگر یک کلمه دروغ بگی، با عوضی صحبت کنی، فقط یک گلوله توی مغزت خالی می کنم. فقط یک گلوله. از صبح تا حالا دنیا لبت بودم. بگو بینم از دیروز کجا هارفتی و چه کارها کردی؟ جوانی بود قد کوتاه. ۳۰ ساله به نظر می رسید. سبیل پریشتی داشت و شبیه ترکمن ها بود. خیلی خونسرد و با شهامت جواب داد: - من یک پزشکیار هستم. برای من فرق نمی کند مریم شبعه باشد یا سنی، زرتشتی باشد یا کلیبی، چینی باشد یا راستی. این طرفی ها مریم ها پیشان را مرتب به بیمارستان می رسانند. اما از آن طرف هیچ زخمی را قبول نمی کردند. دونفر آکه در تحضن تیر خورده بودند. می خواستم بیجا اوم بیمارستان. سه تا آمبولانس توی بیمارستان بود. گذاشتند آمبولانس ها بروند و آنها را بیاورند. گفتم یک آمبولانس به من بدهید. بروم زخمی ها را بیاورم. گفتند آمبولانس نداریم. من رفتم و با یک ماشین تویوتا که مال یکی از دوستانم بود زخمی ها را آوردیم بیمارستان. آن می دانی که یکی از زخمی ها نرسیده به بیمارستان مرده بود. آن یکی هم وضعش خیلی خراب است. پاسدار از حایش پرید و فریاد زد: - چی؟ کمک. کمک به دشمن. بسیار خوب. لابد فدائی هم هستی.

از مبارزات شوراها دهقانی ترکمن صحرا برای زمین و صلح پشتیبانی کنیم



سه تاکتیک برخورد با خرده بورژوازی

(قسمت دوم)

✪ خرده بورژوازی در پروسه نفوذ امپریالیسم
موقعیت اجتماعی و وسایل کسب خود را از دست می دهد، از همین رو با امپریالیسم و سرمایه بزرگ به ستیز برمی خیزد.

✪ پرولتاریا همراه با اجتماعی شدن تولید
خواهان اجتماعی شدن مالکیت است. از این رو خرده بورژوازی از پرولتاریا نیز در هراس است.

✪ پرولتاریا می بایست ضمن پشتیبانی از مبارزه
ضد امپریالیستی خرده بورژوازی، تزلزل و ناپایداری آن را در این مبارزه توضیح دهد.

جالب اینجاست که گروه اشرف دهقانی موضعگیری "حزب توده" را نسبت به دولت ملی دکتر مصدق مورد انتقاد قرار می دهند:

"حزب توده نمی توانست حرکت ملی دکتر مصدق را تأیید نماید. تز موازنه منفی دکتر مصدق طبیعتاً با اهداف حزب توده و کراپشات عملی آن ناهمانگسی داشت.

(همانجا صفحه ۸)

اما گروه مذکور توجه نمی کند که موضعگیری اینسازان در رابطه با حاکمیت دقیقاً یادآور موضعگیری "حزب توده" در باره دولت ملی دکتر مصدق است. اینسازان برای اثبات وابسته بودن خرده بورژوازی سنتی ماهیتاً از همان منطق استدلال "حزب توده" در آن زمان استفاده می نمایند. اینان فراموش می کنند که جنبه ملی مصدق سرکوب جنبش خلق آذربایجان را تأیید کرده است، که باند های وابسته به جنبه ملی مصدق بارها به تظاهرات و تحمیل های کارگری حمله کرده اند، که مصدق هرگز حاضر به همکاری رسمی با کمونیست ها نگردید. در آن زمان نیز "حزب توده" از درک ماهیت دوگانه بورژوازی ملی عاجز ماند و مواضع دکتر مصدق را با امپریالیسم آمریکا و موضعگیری های ضد کارگری وی رادلیان آن دانست که مصدق عامل امپریالیسم آمریکا است.

سازمان پیکار اشغال سفارت آمریکا را سیاست مجموعه هیئت حاکمه می داند که ابتکار انجام آن بر عهده خرده بورژوازی مرفه سنتی گذاشته شده است. از همین رو این اقدام رانه یک اقدام ضد امپریالیستی بلکه اقدامی در جهت تثبیت حاکمیت سرمایه داری وابسته قلمداد می کند:

"هیئت حاکماتی که مجبور است برای بقای حاکمیت خود به احیای سیستم سرمایه داری وابسته بپردازد، اینک می کوشد برای تأمین منافع دراز مدت خود و با توجه به مضمون عمیق ضد امپریالیستی جنبش دمکراتیک توده ها، خود را با مبارزات توده ها هماهنگ نشان داده و موقتاً توده ها را برضد امپریالیسم نشان که شاه خائن را پناه داده برای تحویل شاه خائن بشوراند تا شاید خود او سیستم سرمایه داری وابسته را از دست بحرانی که می رود تمام دشمنان انقلاب را در خود بسوزاند، خلاص کند.

(صفحه ۲۴)

این حملات به بهترین وجه عمق آشفتگی فکری پیکار و فقر ایدئولوژیک آن را به نمایش می گذارد. گفته می شود که بورژوازی مالکیت را در دست دارد، که هیئت حاکمه مجموعاً ضد خلقی و ارتجاعی است که مجبور به احیای سیستم سرمایه داری وابسته است، که سرمایه داری وابسته در بحران عمیق سیاسی - اقتصادی است، و ناگهان نتیجه گرفته می شود که حل بحران از طریق شوراندن توده ها بر علیه امپریالیسم آمریکا و همگامی با مبارزات ضد امپریالیستی توده ها امکان پذیر است.

پیکار می گوید:

"امپریالیسم آمریکا پس از این کروگان گیری سعی در افزایش فشار اقتصادی - سیاسی به دولت ایران می کند و در این رابطه حتی از تقویت و تحریم نیروهای سرجمع نظیر نفوذ آل ها در بلوچستان و مناصری از وابستگان خویش در میان محافل نزدیک به قدرت حاکم... نیز رویگردان نمی شود. وی می کوشد تا از این طریق هم سیاست اعمال فشار خویش را به پیش برد.

(شماره ۴۰، صفحه ۱۲)

و در جایی دیگر:

"قطع خرید نفت ایران از جانب کارتر نیز...

بلوکه کردن دارائی های ایران در بانک های امریکائی و... عدم صدور برخی مواد اولیه به ایران، تهدید به محاصره اقتصادی و... در ادامه همین سیاست ها صورت می گیرد.

(همانجا)

ویاز می گوید:

"و سرانجام دولت آمریکا بطور تلویحی وبه خاطر تحت فشار قراردادن ایران، از امکان اقدام نظامی آمریکا علیه ایران سخن می گوید..."

(همانجا)

ولی علیرغم تمامی این واقعات از نظر پیکار جنگ هیئت حاکمه ایران با آمریکا جنگی زرگری است که برای حفظ سیستم سرمایه داری وابسته انجام می گیرد پیکار با عدم درک تضادهای درونی هیئت حاکمه ارزیابی غلط از همزونی در دستگاه حاکمه، درک غلط از ماهیت خرده بورژوازی سنتی، درست همسان اشتباهی را مرتکب می شود که خود به گرایش "چپ" نسبت می دهد. به راستی اگر دستگاه حاکمه مجموعاً ضد خلقی است (یعنی نماینده امپریالیسم و سرمایه داری وابسته است) این همه روش های امپریالیسم آمریکا که خود پیکار آنها را برمی شمارد به چه معنی است؟ مگر یک نیروی اجتماعی بدون داشتن تمایلات ضد امپریالیستی می تواند در صف مبارزه ضد امپریالیستی واقفان شرکت داشته باشد؟

واقعیت آن است که خرده بورژوازی سنتی بنا به ماهیت طبقاتی اش نظیر سایر اقشار و طبقات پهنابینی ماهیت دوگانه دارد. خرده بورژوازی مدافع مالکیت خصوصی و صاحب وسایل تولید است. او در تلاش افزایش سرمایه بود و صمود به موضع بورژوازی است. اما تولید و تجارت بزرگ عرصه را بر او تنگ می کند و تولید و تجارت کوچکش را به خطر می اندازد. گسترش نفوذ امپریالیسم و رشد سرمایه داری وابسته او را به ورشکستگی و نابودی می کشاند. خرده بورژوازی در پروسه نفوذ امپریالیسم موقعیت اجتماعی و وسایل کسب خود را از دست می دهد و به دامان پرولتاریا سقوط می کند. سرمایه بزرگ موقعیت او را به عنوان یک بخش مستقل جامعه به خطر می اندازد. خرده بورژوازی از این سقوط وحشت دارد و از همین رو با امپریالیسم و سرمایه بزرگ به ستیز برمی خیزد و در جنبش ضد امپریالیستی نقشی متروقی و انقلابی بازی می کند.

از سوی دیگر پرولتاریا بنا به ماهیت طبقاتی اش با مالکیت خصوصی وسایل تولید سر ستیز دارد که همراه با اجتماعی شدن تولید خواهان اجتماعی شدن مالکیت است. از این رو خرده بورژوازی از پرولتاریا نیز در هراس است، چرا که در به قدرت رسیدن پرولتاریا ناپودی مالکیت کوچک خویش را می بیند. در مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داران بزرگ، پرولتاریا راهی برای می طلبد و از ترس پرولتاریا به بورژوازی نزدیک می شود. از این رو خرده بورژوازی می تواند به نیروی ذخیره پرولتاریا و با بورژوازی تبدیل شود.

خرده بورژوازی عقب مانده هنگامی که خود رهبری جنبش را در دست گیرد، ماهیت دوگانه خود را تماماً به نمایش می گذارد، در زمینه تخریب سیاسی نظام قبلی قاطعیت از خود نشان می دهد، اما در زمینه ساختن نظام آتی طرحی عملی ندارد. بیسوس سرمایه داری و سوسیالیسم به دنبال راه سوم می گردد. اما این "راه سوم" افسانه ای بیش نیست که با واقعات عصر سرمایه انحصاری سخت بیگانه است. اتویکی خرده بورژوازی سنتی در ایران هنگامی که به عقب مانده ترین اشکال تفکر مذهبی توأم می شود، به

شکل "ولایت فقیه" بازگشت به دوران کهن گذشته را وعده می دهد و زمانی که یادانش های نوین ترکیب می گردد به شکل "حاجه بی طبقه" توحیدی نمایان می شود و در کنار مالکیت خصوصی برافزار تولید مدینه فاضله ای عاری از ستم امپریالیسم را جستجو می کند.

این اتویها در عین واپس گرائی، بنا به خصمت خود هیچوقت تحقق نمی یابند و به این دلیل خرده بورژوازی علیرغم خواست ذهن خود هرگز قادر به نابود کردن نظام سرمایه داری وابسته نیست. از این رو خرده بورژوازی در قدرت سرانجام ناچار است با برنام بورژوازی را پذیرفته و زیر رهبری آن تبدیل به عامل احیای نظام سرمایه داری وابسته گردد و با تحمیل رهبری پرولتاریا قرار گیرد. این جریان بر تضاد و پیچیده غالباً به تجزیه طبقاتی خرده بورژوازی شکل سیاسی می بخشد. اقشار بالای آن به بورژوازی و اقشار پایین آن به پرولتاریا می پیوندند.

زیگراگ های سیاسی آن بخش از روحانیت که نمایندگی خرده بورژوازی را در حاکمیت بر عهده دارد، در یک سال گذشته هم این خصمت دوگانه خرده بورژوازی را به نمایش می گذارد. در کنار اقدام انقلابی مزدوران رژیم گذشته و فرماندهان ارتش شاهنشاهی، با هراس از نیروهای رادیکال انقلابی، به بازسازی ارتش رضایت می دهد. از یک سو به پرولتاریا جنگ و دندان نشان می دهد و از سوی دیگر بورژوازی لیبرال را از مسند قدرت به زیر می کشد. از یک طرف زیر برنامه بورژوازی انحصاری به بسیج فاشیستی بر علیه جنبش حق طلبانه خلق هادست می زند و از طرف دیگر بر اشغال جاسوخانه آمریکا مهر تأیید می گوید. ویی در پی با یک دست بورژوازی لیبرال را از خود می راند و با دست دیگر او را به سوی خود می خواند.

سیاست پرولتاریا در مقطع کنونی نمی تواند جدا از پروسه پرتضاد حرکت خرده بورژوازی و زیگراگ های سیاسی آن، بدون توجه به گرایش غالب بر سیاست خرده بورژوازی در هر مقطع و بدون در نظر گرفتن سطح آگاهی توده ها و پتانسیل مبارزاتی آنها و تضادهای درون هیئت حاکمه تنظیم گردد. پرولتاریا می بایست ضمن پشتیبانی از مبارزه ضد امپریالیستی خرده بورژوازی، تزلزل و ناپایداری آن را در این مبارزه توضیح دهد. پرولتاریا می بایست ضمن شرکت در جنبش ضد امپریالیسم و تعمیق محتوای آن، آلترناتیو واپس گرایانه خرده بورژوازی را که به بهترین وجه در قانون اساسی تجلی یافته است، افشا نماید. پرولتاریا باید به توده ها نشان دهد که عسدم آزادی هلی اهورتونسیم برای نیروهای متروقی به رسمیت نشناختن حق خود مختاری ملت ها و عدم شرکت فعال واقعی (نه فرمایشی) زنان در مبارزه، و مخالفت با اتحاد تمامی نیروهای انقلابی و... چه ضربات بزرگی به جنبش ضد امپریالیستی وارد می سازد. پرولتاریا می بایست نشان دهد که یک نیروی ضد کمونیست سرانجام نمی تواند جنبش را به سرانجام رساند و این انقلاب در صورتی که پرولتاریا در راس جنبش قرار نگیرد در نیمه راه خود یک بارد بگرا شکست مواجه خواهد شد. پرولتاریا در مقطع کنونی می بایست ضمن نشان دادن عوام فریبی اهورتونسیم "چپ"، با تأکید بر عمدگی خطر اهورتونسیم "راست" و افشای بی دریم آن در جهت تشکیل صف مستقل پرولتاریا برای سرانجام رساندن انقلاب دمکراتیک توده های کام برودارد. پرولتاریا باید بکوشد که با افشا و منفرد ساختن بورژوازی لیبرال خلق را تحت همزونی خود متشکل نموده و این انقلاب را به پیروزی رساند. ادامه دارد

نابود باد جبهه سرمایه داران لیبرال

شوراهای دهقانی خراسان، جبهه زمینداران بزرگ

و حامیان را درهم می‌کوبند

قومیت‌های مختلف و برای این که دیگر مالکین نتوانند به نفع خود از اختلافات آنان سود جویند تصمیم می‌گیرند که از هر ملیت یک نفر در شورا عضو باشد. در پایان این تصمیمات مهم که اراده و آگاهی رنجبران میهن ما را در زمین بردن استوار و نا برابری‌های نظام سرمایه‌داری بازگویی کرد، شورا جشن بزرگی برگزار می‌کند که در آن همه روستاهای منطقه شرکت داشتند. آنها زندگی تازه خود را جشن می‌گیرند تا به نیروی اتحاد خود، کشت پاشیز را بطور شورایی آغاز کنند.

اگر چه مقامات دولتی و کمیته‌ها در برابر قدرت عظیم دهقانان عقب‌نشستند، مالکین به کوشش‌های تازه‌ای دست زدند، از جمله مالکین منطقه به‌کرد چند تن از روحانی‌نماهای طرفدار خود متشکل شده‌اند و با توجه به نفوذی که در ارکان‌های دولتی دارند به تلاش‌هایی برای زد و بنام دهقانان دست زدند. آنان این بار کوشش می‌کنند از طریق مسلح ساختن آبادی خود به مقابله با دهقانان بپردازند. شواهد و قرائنی در دست است که کوشش آنها را برای مسلح ساختن آبادی خود به اثبات می‌رساند. لیکن پیروزی از آن کارگران و دهقانان است.

ضمناً روستائیان به‌همان می‌بندند که در مقابل هرگونه تجاوزی با تمام قوا ایستادگی کنند و متحدانه مبارزه بر خیزند. در این میان زاندار مری و بخشی از سپاه پاسداران از مشهد به محل اعزام می‌شوند تا با دهقانان به مقابله بپردازند. که در برابر مقاومت یکپارچه روستائیان، ناچار به محل خود بازمی‌گردند.

روستائیان برای حفظ پیروزی‌های خود و رسیدگی به وضع زمین‌ها، از هر روستا چند نفر را به نمایندگی به حکیم آباد می‌فرستند که پس از چهار روز گفتگو و تبادل نظر با توجه به این که زمین‌ها مکانیزه هستند و از طرفی ماشین‌ها هم قابل تقسیم نیستند تصمیم می‌گیرند شوراها را دهقانی به وجود آورند و امر کاشت و برداشت را بطور شورایی به انجام رسانند. دهقانان مبنای تقسیم محصول را نیز بر اساس نیروی کار که در جریان کاشت و برداشت به کار می‌گیرند، می‌گذارند. همچنین برای از بین بردن تبعیض‌های ناشی از

در مقابل ارباب و اربادی آن ایستادگی کردند. این عمل منجر به فرار مالکین از ده شد. اما به تحریر کاربان و عناصراً حامی آنان در درون سپاه پاسداران، پاسداران روستا حمله برده یکسری از کشاورزان مورد اعتماد روستائیان را دستگیر می‌کنند. به دنبال این واقعه روستائیان دست به مقاومت مسلحانه می‌زنند و پاسداران را مجبور به خروج از ده می‌کنند. مالکین در ادامه فعالیت‌های سرکوبگرانه خود، برای مقابله با دهقانان زحمتکش اقدام به اجیر کردن عده‌ای مزدور می‌کنند. از طرف کمیته منطقه نیز به کشاورزان اخطار می‌شود که هرگاه تسلیم نشوند با تمام قوا سرکوب خواهند شد. کشاورزان که وضع را چنین می‌بینند جریان را با تمامی روستاهای اطراف در میان می‌گذارند و با توجه به پیوند‌هایی که بین روستائیان این منطقه وجود دارد و بر اساس وضعیت مشابهی که در آن به سر می‌برند متحدانه تصمیم به مصادره زمین‌های اربابان و اخراج آنان از روستا می‌گیرند و

نظیر ترک، کرد، بلوچ انتخاب کرده و با توسل به شیوه‌های رذیله میان آنها چند دستگی ایجاد می‌کنند. آنان روستائیان را به بهانه کوچکترین غفلت در کار مورد شکنجه و آزارهای وحشیانه‌ای قرار می‌دادند که به قسول دهقانان محل در اغلب موارد به قتل روستائیان منجر می‌شده است. زمینداران بعد از قیام نیز با حمایت بعضی از روحانیون سرشناس منطقه و محافظان جناح‌های طرفدار زمینداران و مالکین در سپاه پاسداران و کمیته‌ها، به فشار خود بر روستائیان ادامه دادند و به سرکوب، مبارزات آنان پرداختند. سرکوب مبارزات دهقانان، علیرغم میل زمینداران و حامیان آنها موجب گسترش مبارزات دهقانان شد. آنان به مصادره ۵۰ هکتار از کوشش‌ها و حاجی قاضی دست زدند که با کمک سپاه پاسداران منطقه پس گرفته و به مالکین بازگردانده شد. سپس دهقانان هنگام تقسیم خرمن گندم از پرداخت سهام ارباب خودداری کردند و بطور جمعی و متحدانه

در سال گذشته دهقانان روستای حکیم‌آباد (شهرین سو) خراسان، علیه زمینداران بزرگ و در جهت خواست‌های خود مبارزه‌ای را آغاز کردند که اینک پس از گذشت یک سال، سراسر روستاهای خراسان را فرا گرفته است. این مبارزات هر چند به فرار زمینداران بزرگ از روستاها منجر گردید، ولی تا به امروز نیز با انواع توطئه‌ها از طرف مالکین و روبروست. بعضی از روحانیون طرفدار مالکین و عده‌ای از مسئولین دولتی نیز در جهت سرکوب مبارزات حق طلبانه دهقانان دست به اقدام زده‌اند.

حاجی قاضی و عاقل زاده غاصبین زمین‌های روستای حکیم‌آباد، بعد از کودتای ۲۸ مرداد، با حمایت دولت شاهنشاهی و با توسل به انواع زمینه‌چینی‌ها و به زور سرنیزه زاندار مری وارثش توانستند به تدریج تمام زمین‌های خرد مالکان را متصرف شوند و روستائیان را مجبور کنند که زمین‌هایشان را با قیمت‌های نازل در اختیار آنان بگذارند و آواره شهرها شوند. زمین‌داران بزرگ برای آنکه بتوانند مبارزه دهقانان را سرکوب کنند، کشاورزان و کارگران خود را از میسکان ملیت‌های مختلف ایرانی،

خبرهای روستائی

زده و به طرف فرمانداری رفتند و در ساعت ۱۱/۵ وارد فرمانداری شدند. طبق معمول فرماندار آنها را به حفظ نظم و آرا مشد عسوت نمود و توصیه کرد که متوجه باشید در بین شما کمونیست‌ها نفوذ نکنند و سعی نمود مسئله را خاتمه دهد که با مقاومت خاتمه دهقانان روبرو شد. دهقانان گفتند ما خودمان بهترین دانیم که چگونه کارها را انجام دهیم و بنده بازگشتند.

آمل - روستای سائیح محله روز دوشنبه ۸ بهمن، ۴۵ نفر از اهالی بی‌زمین سائیح محله یکی از روستاهای آمل واقع در جاده لوزچستان با دردست داشتن بیل و کلنگ و داس بسا شمار "مرگ بر عمرانی دشمن سرخست ما"، "کار برای کارگر، زمین برای بزرگ"، "زمین، زمین، حق مسلم ما است" برای مصادره ۳۰ هکتار زمین و تقسیم آن مابین روستائیان بی‌زمین دست به راهپیمایی

آمل - روستای مروند دسته جمعی و با همکاری و کمک روستائیان دیگر به نفع خود ضبط کردند و آن را شخم زدند و تمامی محل دوسه روز بسپح شده بودند تا از خطه احتمالی آبادی زمیندار جلوگیری کنند.

در حدود ۱۲ خانوار بی‌زمین و کم‌زمین روستای مروند یکی از روستاهای آمل روز یکشنبه ۷ بهمن زمینی به مساحت ۱۷ هکتار را که در تصرف یک زمین‌دار شهری به نام نوبخت بوده است

خلق ترکمن در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت نمی‌کند

اعتراض خلق ترکمن را بر علیه اعمال ضد مردمی رسانند و به گوش همه جهان‌نیان برسانند.

پیروزی با مبارزات حق طلبانه خلق قهرمان ترکمن مستحکم باد وحدت خلق‌های سراسر ایران پرتوان باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق قهرمان ایران کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن ۱۱ اسفند ۵۸

ضد انسانی آنان خلق ترکمن در انتخابات مجلس شورای ملی شرکت نخواهد کرد. ما اعتقاد داریم که رژیم جمهوری اسلامی در پیی مانعت برای انتخاب نیروهای انقلابی به نمایندگی مجلس شورای ملی از شیوه‌های مختلف از جمله اعدام نمایندگان انقلابی مردم و دور حمله‌ای کردن انتخابات استفاده نموده است. روی این اصل از کلیه مردم ترکمن صحرا بخصوص زحمتکش و دهقانان می‌خواهیم که با عدم شرکت خویش در این انتخابات فریاد

بد بنویسید کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن اعلام می‌دارد که چون کاندیداهای انقلابی و نمایندگان واقعی خلق ترکمن برای مجلس شورای ملی شرم محمد در خشنده تو ما جو عبدالحکیم مختوم نا جوان مردانه توسط رژیم جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند و در زندان بدون محاکمه اعدام شدند، همچنین به دلیل ایجاد محیط رعب و وحشت و ترور در منطقه توسط ارتش ضد خلقی و پاسداران ارتجاعی و اعتراض به اعدام‌های بدون محاکمه و اعمال خسوت و وحشیانه و

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



کمکهای مالی دریافت شده

ردیف	نام	مبلغ	تاریخ	ردیف	نام	مبلغ	تاریخ
۱	۱
۲	۲
۳	۳
۴	۴
۵	۵
۶	۶
۷	۷
۸	۸
۹	۹
۱۰	۱۰
۱۱	۱۱
۱۲	۱۲
۱۳	۱۳
۱۴	۱۴
۱۵	۱۵
۱۶	۱۶
۱۷	۱۷
۱۸	۱۸
۱۹	۱۹
۲۰	۲۰
۲۱	۲۱
۲۲	۲۲
۲۳	۲۳
۲۴	۲۴
۲۵	۲۵
۲۶	۲۶
۲۷	۲۷
۲۸	۲۸
۲۹	۲۹
۳۰	۳۰
۳۱	۳۱
۳۲	۳۲
۳۳	۳۳
۳۴	۳۴
۳۵	۳۵
۳۶	۳۶
۳۷	۳۷
۳۸	۳۸
۳۹	۳۹
۴۰	۴۰
۴۱	۴۱
۴۲	۴۲
۴۳	۴۳
۴۴	۴۴
۴۵	۴۵
۴۶	۴۶
۴۷	۴۷
۴۸	۴۸
۴۹	۴۹
۵۰	۵۰

"دولت موقت" قرار می گیرند و پست های وزارت و کابینه ها را اشغال می کنند. در شورای انقلاب می خزند، در مجلس خبرگان حضور می یابند و با تمام قوا آشکار و پنهان در صدد جنبش انقلابی توده ها راه شکست کشانند آنان را تحقیر می کنند و سازمان مبارزاتی با امیرالمسلمین امریکا و خیانت های خود را "افتخار" می نامند. پنهانی جلسات توطئه آمیز ترتیب می دهند و از هر فرصتی برای شکل و سازمان دهی خود سود می جویند و اکنون که در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی هستیم در صدد آن که با حضور در مجلس با نام مردم علیه مردم اقدام کنند. ولی مردم ماد بگری می دانند که جنبه ملی، نهضت آزادی و حزب لیبرالی که در شرف تأسیس هستند دیگر نه تنها رنگ ملی تاریخی خود را باختند بلکه به محفل همنای ضد انقلابی مبدل شده اند که وظیفه ای جز کوشش برای شکست جنبش ضد امیرالمسلمین دیکراتیک خلق های مبین ما ندارند.

سیزدهمین سال درگذشت ...

بر مبنای ماکذشته است تغییرات اساسی در ساخت و ماهیت بورژوازی ایران پدید آورده است بطوری که دیگر وجود و حضور طبقه های به عنوان بورژوازی ضد امیرالمسلم در عرصه مبارزاتی کنونی تنها یک افسانه و خیالپردازی است. تئوری وجود بقایای بورژوازی نیز می توانست سرمنشاء اشتباهات و انحرافات مملکتی در جنبش ضد امیرالمسلمی - دیکراتیک خلق های ما باشد. امری که در اشتباهات ماههای اول بعد از قیام در سیاست ها و برنامه های سازمان ما تجلی یافت. اکنون میراث خواران دیکتر مصدق که دیرزمانی است موقعیت خود را به عنوان نیروهای ضد امیرالمسلم دست داده اند، با استفاده از نام مصدق و اجرای مراسم سالگرد های درگذشت و تولد این رهبر بزرگ ملی در تلاشند اعتباری برای خود کسب کنند. آنان در راس

ضعف های تاریخی - طبقاتی دیکتر مصدق موجب استضعاف و افراهم آورد و در نتیجه ارتشی که در راس آن خود دیکتر مصدق قرار داشت به سود امیرالمسلم امریکا و ابادی داخلی اش علیه او و علیه خلق های ایران دست به کودتای سپاه ۲۸ مرداد زد و حکومت ملی دیکتر مصدق را سرنگون ساخت. نتیجه آن که تمام دستاوردهای جنبش ملی دیکراتیک مردم ایران بر باد رفت و ۲۵ سال دیگر سلطه خشن و غارت و وحشیانه امیرالمسلم جهانی در راس آن امیرالمسلم امریکا توسط خاندان منفور پهلوی ادامه یافت. اکنون ارزیابی صحیح از مصدق و سیاست های او برای انقلاب مردم ما از اهمیت اساسی برخوردار است. چه موقعیت ضد امیرالمسلمی دیکتر محمد مصدق محمول وجود و حضور بورژوازی ملی ایران در عرصه مبارزه طبقاتی بود. آنچه که قریب سه دهه

بدنبال یکسال پیکار شوراهای دهقانان بالاخره ...

کود، بذر، ماشین آلات و ... توسط دولت به این شوراها و اتحادیه ها، نه تنها موجب افزایش بازدهی تولید کشاورزی در مبین ما خواهد بود، بلکه زمینه های راه سرعت فراهم خواهد آورد. امروز آن جناح حاکمیت که در یک سال گذشته زمینداران بزرگ و خوانین مرتجع و مزدوران آنها را مسلح کرد، زیر فشار جنبش دهقانی به عقب رانده شده است. دشمنان مردم هر چند که باید بدآوردن فاجعه قارن، کشتار نقد و کشتار خلق ترکمن و ترور فرزندان دلاور خلقی ترکمن و جنایت هایی که در دیگر مناطق ایران مرتکب شدند، صد هاتن از زمینداران و دهقانان زحمتکش مبین ما را به خاک و خون کشیدند، اما امروز در برابر آرزوهای دهقانان و عشایر زحمتکش ایران و مبارزات آنها چاره ای جز عقب نشینی نمی بینند. بسیار کسانی که تا دیروز فتوای ها را مسلح می کردند و آشکارا زمینداران بزرگ حمایت می کردند امروز در برابر مبارزات بی امان

دهقانان علیه زمینداران بزرگ ناچار شده اند علیرغم تعابلات ارتجاعی خود عا بنند و زاهد شوند. این همه کام هائی است در راه پیروزی خلق برای امیرالمسلم خلقی که پایگاه امیرالمسلم را به خوبی می شناسد و می داند که مبارزه با امیرالمسلم یعنی مبارزه با سرما به داری وابسته زمینداران بزرگ اینک که بیش از یک سال از قیام خلق می گذرد، برزنا نما اصلاحات ارضی پیشنهادی رضا صفهائی که در صورت اجرا به سود دهقانان است از طرف دولت تصویب شده است. تصویب این برنامه در شرایطی که مبارزات دهقانان ترکمن صحرا و دهقانان سراسر ایران می رود که اتحاد نیرومند کارگران و دهقانان سراسر مبین را بی ریزی کرده شرایط نوینی در عرصه مبارزه طبقاتی پدید آورد از جهات مختلف قابل تعمق است. و یکبار دیگر اثبات می کند که در پیکار های بی امان، قادر به کسب امتیازاتی به سود خود خواهند بود.

مشکل شده وزیر رهبری ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا قرار داشتند نقش برجسته داشته است. شوراهای دهقانی در ترکمن صحرا، امروز برای دهقانان سراسر ایران نمونه و سرمشق است. این نمونه که در ماه های اخیر توسط دهقانان مازندران و خراسان مشخصا به کار گرفته شد از قدرت نفوذ روز افزون در سراسر مبین برخوردار است. کشت و برداشت شورائی که گسترش مناسبی را به داری دز زمینه مناسبی برای آن راهبروری و اجتناب ناپذیر می سازد. تنها شکل واقعی انقلابی حل مسالمانه در اقصی نقاط مبین است. ناهمگونی و ناموزونی رشد سزما به داری در ایران در عین حال مشکل ساختن دهقانان خزرده مالک را در اتحادیه های که می توانند در خدمت بهبود زندگی این بخش از دهقانان عمل نمایند ضروری می سازد. لغو دیون کشاورزان سیرد و وام های بدون بهره به آنان، در اختیار گذاشتن

اعتراض به حذف عده ای از کاندیداهای معرفی شده مورد حمایت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

مطابق اطلاعات رسیده کاندیداهای معرفی شده مورد حمایت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در مشهد اصفهان، خرمشهر، رامهرمز اهواز، اهر، بندرعباس و ارومیه توسط فرمانداری های شهرستان های مذکور به دلایلی مغایر اصل آزادی فعالیت های سیاسی و مغایر حقوق دیکراتیک مردم از شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی محروم شده اند. مطابق با سخنان فرمانداری شهرستان مشهد به نامه اعتراضی آقای سید محمد قارونی هاشمی زاده کاندیدای معرفی شده توسط سازمان در تاریخ ۱۱ اسفند ۵۸

از ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا نماینده واقعی دهقانان پشتیبانی کنیم

کارگران، دهقانان، زحمتکشان، خلق‌های قهرمان ایران

با حمایت از کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

صف نیروهای انقلابی را در مبارزه برای

استقلال - کار - مسکن - آزادی

تقویت کنیم

اسامی کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در سراسر ایران

<p>۷- اصفهان</p>	<p>۴- خوزستان</p>	<p>۱- تهران</p>
<p>فضل‌الله چایچی اصفهان فاطمه شریعت اصفهان * ابراهیم عبدالحسینی اصفهان * لطف‌الله مجدزاده شهرکرد *</p>	<p>نسیم خاکسار آبادان ملیحه السادات آبادان زهتاب مورانی اهواز محمد جواد خاتمی بهبهان نادرنیا پرست بهبهان بیژن شیروانی رامهرمز ناصر رحیم خانی کورج اندیمشک علی ضامن منجری مسجد سلیمان * دکتر ناصر صرافان شوشتر * سید فاخر شجری آبادان * شیر معیل خرمشهر *</p>	<p>مصطفی مدنی حشمت‌الله رئیسی رقیه دانشگری علی محمد فرخنده (کشتگر) مستورما حمدزاده لطف‌الله بیژمان هبت‌الله طبیب غفاری سعید سلطانپور مهدی حاج قاضی تهرانی</p>
<p>۸- فارس</p>	<p>۵- گیلان</p>	<p>۲- آذربایجان</p>
<p>صدیقه صرافت شیراز حسین نخعی شیراز</p>	<p>دکتر محمد رضا رشت جوشنی املشی رشت ضرغام محمودی رشت انرج نیبری لاهیجان محسن پور صفار فومنی فومن * زین‌العابدین کاظمی لنگرود * محمد خوش‌ذوق (خوشدل) انزلی *</p>	<p>ابوالفضل محقی تبریز نعمت‌الله گل‌هین تبریز حمید حمید بیگی تبریز علی رستم‌زاده شبستری شبستر قربا نعلی پاشائی ارومیه * یوسف اکبری اردبیل * علی (اصغر) نوری اهر * مطلب اسدی مغان * مقصود کاسبی میان‌دوآب * سید جمال سیدطاهری سراسکند * منوچهر قاسملو میانه *</p>
<p>۹- خراسان</p>	<p>۶- مازندران</p>	<p>۳- کردستان</p>
<p>سید محمد قارونی مشهد</p>	<p>آستان: سیاهکل و... سید هادی شیخ‌الاسلامیان راسر، شهسوار * یوسف نصیری رشت * نظام‌الدین خطیبی منطقه طالش‌سائل رضوان شهر هشتپرو... *</p>	<p>انور سلطانی بوکان عبداللما قدامی بانه و سقز * رحیم محمودی مهاباد * فریده قریشی سنندج * عبدالرضا کریمی مریوان * صالح آذربور اشنوویه و نقده *</p>
<p>۱۰- مرکزی</p>	<p>فردوس جمشیدی رودباری قائم شهر حسن صد بیان بابل محمد رضا مهجوریان آمل</p>	<p>۱۱- سیستان و بلوچستان</p>
<p>مرتضی میثمی قزوین ناصر شهاب اراک</p>	<p>توضیح: * معرفی شده توسط سازمان چریکهای فدائی خلق ایران</p>	<p>۱۲- هرمزگان</p>
<p>حسن رئیسی ایران‌شهر *</p>	<p>۱۳- لرستان</p>	<p>نصیرالدین کریم‌زاده بندرعباس * غلام سنگری میناب *</p>
<p>۱۱- سیستان و بلوچستان</p>	<p>محمد جودکی بروجرد براتعلی رخشان خرم‌آباد</p>	<p>ابوالفضل محقی تبریز نعمت‌الله گل‌هین تبریز حمید حمید بیگی تبریز علی رستم‌زاده شبستری شبستر قربا نعلی پاشائی ارومیه * یوسف اکبری اردبیل * علی (اصغر) نوری اهر * مطلب اسدی مغان * مقصود کاسبی میان‌دوآب * سید جمال سیدطاهری سراسکند * منوچهر قاسملو میانه *</p>

استقلال - کار - مسکن - آزادی



ال سالوادور هم آزاد می شود

اوج گیری مبارزات دایمیستی و اعتسالی جنبش توده‌ای در امریکای مرکزی امیدهای تازه ای را برای درهم شکستن امپریالیسم امریکا نوید می دهد. مبارزات قهرمانانه ای که امریکای مرکزی را به یکی از کانون های مستقل مبارزه علیه امپریالیسم بدل نموده است نشانه دیگری از زوال امپریالیسم در عصر ما است. در گواتمالا، تشدید مبارزات توده‌ای و افزایش دامنه فعالیت رزمندگان مسلح، نگرانی بیش از پیش امپریالیست ها و مزدوران داخلی شان را موجب گردیده است.

در "کستاریکا" که به سوی امریکای مرکزی معروف است، مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به صورت اعتصابات کارگری آغاز شد. و در حال گسترش می باشد. از نمونه های بارز آن، اعتصاب ۲۰ هزار نفری کارگران باغات موز است که متعلق به شرکت "استاندارد فروت" می باشد. کارگران این شرکت برای به دست آوردن خواست های خویش از جمله ساعات کار کمتر در هفته و شرایط کار بهتر قبل از کریسمس دست به اعتصاب زدند. پس از مدتی سرانجام بر اثر مقاومت قهرمانانه کارگران، شرکت "استاندارد فروت" دست به عقب نشینی زده ولی شرایطی برای توافق پیشنهاد کرد که از نظر کارگران غیر قابل قبول بود. این مسئله موجب ادامه اعتصاب گردید که با اعلام همبستگی سایر کارگران و زحمتکشان همراه بود. از جمله ۵۰۰۰ کارگر راه آهن شهر لیمون، کارگران بنسدر و کارکنان و پزشکان بیمارستان تهدید نمودند که چنانچه دولت و شرکت مزبور خواست های کارگران اعتصابی را برآورده ن سازند، دست به اعتصاب خواهند زد. همچنین "کنفدراسیون کارگران دمکرات کستاریکا" نیز تهدید کردند که دست به اعتصاب عمومی در سراسر کشور خواهند زد. این همبستگی کارگران و ترس از فلج شدن کشور در اثر اعتصاب، موجب شد که وزیر کشور تحت عنوان

مقابله با نفوذ کمونیست ها دستور تیراندازی به سوی کارگران اعتصابی (در تاریخ ۲۷ دی ماه) صادر نماید. این عمل باعث گردید تا بار دیگر با هیبت ضد کارگری و ضد خلقی حکومت در برابر توده های ستمکش آشکار گردد. این درگیری اگرچه به زخمی شدن ۸ نفر از کارگران اعتصابی انجامید نتوانست آتش مبارزه کارگران را خاموش سازد و باعث شد تا کارگران هر چه مصمم تر به مبارزه حق طلبانه خود ادامه دهند.

پس از سرنگونی رژیم سوموزا در نیکاراگوئه جنبش انقلابی در ال سالوادور از ارج بی سابقه ای برخوردار گردیده است. مبارزات کارگران و دهقانان علیه نظام سرمایه داری وابسته هر روز دامنه بیشتری به خود می گیرد. جایگزین کردن روابط سرمایه داری در سیستم کشاورزی منجر به خانه خرابی فقر و گرسنگی برای ۶۰ درصد اهالی این کشور شده است که در مناطق کشاورزی زندگی می کنند. بهره کشی طبقه سرمایه دار و زمین داران نیکاراگوئه که با هزاران رشته به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا پیوند دارند به گونه ای است که این مناطق را به قلب مبارزات طبقاتی ال سالوادور تبدیل کرده است.

توجه به توسعه صادرات غله پس از جنگ، و هجوم شرکت ها و سرمایه داران امریکایی به مناطق کشاورزی، با خانه خرابی دهها هزار نفر از دهقانان همراه بود که مجبور به ترک زمین های شان بودند و اغلب به کارگران کشاورزی تبدیل شدند. بگونه ای که اکنون ۶۰ درصد از زمین ها در اختیار ۲ درصد جمعیت کشور قرار دارد و حدود سه چهارم از خانواده های روستایی به صورت کارگر کشاورزی کار می کنند. بی کاری فصلی کاری حدود نیمی از نیروی کار روستاها را دربر می گیرد. تازه اگر کسی بتواند کار پیدا کند مزد روزانه اش بین ۱ تا ۲ دلار خواهد بود. حدود ۴ تا ۶ ماه از سال در فصل درو کارگران از مزرعه ای به مزرعه دیگر نقل

مکان کرده محصولات را که بیش از نیمی از صادرات ال سالوادور را تشکیل می دهند درومی کنند. این وضعیت درگیری های شدیدی را بین کارگران کشاورزی و دهقانان از یک سو با دولت و شرکت ها و طبقه سرمایه دار زمین داران بزرگ موجب گردیده است.

تن رازخی کردند. امپراتور کنندگان با کم کم چریک های چپ به مقاومت پرداخته و به دانشگاه ها و سان سالوادور پناهنده شدند. در روز سوم بهمن ماه راهپیمایی عظیمی به تشییع جنازه شهدای این نبرد پرداختند.



بعد از نیکاراگوئه نوبت ال سالوادور است.

همچنین مبارزات کارگران صنعتی، افزایش بی سابقه ای یافته است. در روز بیست و سوم دی ماه ۵۸ کلیسای بزرگ سان سالوادور، توسط کارگران وابسته به "سندیکای فزنی سالوادور" اشغال گردید. این کارگران وابسته به سازمان مارکسیست - لنینیستی بلوک انقلابی خلق ال سالوادور هستند، خواستار باز شدن چندین کارخانه بودند که توسط صاحبان آنان تعطیل شده بود. این نوزدهمین باری است که در عرض ۱۳ ماه اخیر کلیسای سان سالوادور اشغال می شود. در ماه گذشته در طی تظاهراتی به نفع "بلوک انقلابی خلق" تظاهرکنندگان این کلیسا را اشغال کردند. که در پی یورش وحشیانه پلیس ۱۹ تن کشته شدند. در روز دوم بهمن ماه به درخواست سازمان های سندیکایی ال سالوادور، مردم این کشور دست به اعتصاب عمومی زدند که با راهپیمایی یکصد هزار نفری مردم پایتخت همزمان بود. این راهپیمایی نمایشی از همبستگی و وحدت چهار گروه مارکسیستی بود. در پی این مراسم گارد به اصطلاح ملی در یک یورش به تظاهرکنندگان بیش از ۲۴ تن را کشته و ۱۲۵

عملیات جسورانه گروه های چریکی چپ ال سالوادور در چند ماه اخیر ناتوانی رژیم نظامی این کشور را برای آرام کردن اوضاع نشان داده است. اکثریت سه گروه چریکی مسئولیت این عملیات را به عهده می گیرند اما رشد و قدرت سازمان های توده ای در سال های اخیر تهدید بیشتری برای رژیم نظامی این کشور به حساب می آید. بزرگترین و فعال ترین این سازمان ها "اتحادیه (بلوک انقلابی خلق ال سالوادور)" است که پایگاه وسیعی در بین طبقه کارگر، دهقانان، معلمان دانشجویان و زانغ نشین ها دارد. این سازمان در زمان تاسیس خود (سال ۱۹۷۵) نقش مهمی در رهبری و سازماندهی مبارزات گروه ها علیه رژیم نظامی کشور داشته است. اگرچه وسیعترین پایه این اتحادیه در بین روستائیان است، اما این سازمان طبقه کارگر را در رأس اتحاد کارگران - دهقانان می داند و آن را کلید ایجاد "جبهه انقلابی خلق" می شمارد. سازمان دیگر "جبهه اتحاد عملیاتی مردم و خلق" است که در سال ۱۹۷۴ شروع به فعالیت کرده و کوشش های مشابهی در متحد کردن اقشار مردم دارد.

شدت گرفتن فعالیت های انقلابی علیه نظام سرمایه داری وابسته با اوج گیری سیاست های فاشیستی و کشتارهای برنامه ریزی شده توده های دهقانی و دیگر زحمتکشان از جانب رژیم نظامی ال سالوادور همراه بوده است. همچنین پیدایش سازمان های جدید فاشیستی از جانب امپریالیست ها در این کشور نمونه دیگری از اوج گیری این سیاست است.

باند ها و سازمان هایی که توسط "سیا" سازمان یافته شده است جزوات خود را بنام "جبهه آزادی اصل مبنی بر جنگ با کمونیسم برای نابودی کامل آن" منتشر می کنند.

نقش این سازمان ها همانند دیگر گروه های مسلح فاشیستی در تمامی کشورهای امریکای لاتین مانند "جوخه های مرگ" یا "اتحادیه علیه کمونیسم" در برزیل، آرژانتین، گواتمالا و... است که به صورت ابزارهای سرکوب رژیم های نظامی علیه نهضت های مردمی عمل می کنند. این گروه ها به تظاهرات مردم حمله می کنند، دفاتر سازمان های انقلابی و ترقی خواه را به آتش می کشند و به شکار انقلابیون و نیروهای ضد امپریالیست می پردازند. اما مبارزات قهرمانانه توده های زحمتکش ال سالوادور و دیگر خلق های امریکای مرکزی، هر چه بیشتر گند بدگی و احتضار امپریالیسم را به نمایش می گذارد و شکستگی سیاست های سرکوبگرانه آنان را برملا می سازد. مبارزات قهرمانانه ای که قیام های توده ای را نوید می دهد که با درهم شکست سلطه امپریالیست ها جمهوری دمکراتیک خلق را در این کشورها برقرار نماید.

(۱) - شهرسیمون، شهری است که باغات مزبور در آن قرار دارد و تنها بندر کستاریکا در منطقه کارائیب، سواحل اقیانوس اطلس می باشد که محصولات ارسالی از اروپا و نفت در آن تخلیه می گردد.

(۲) - سه نیروی عمده چریکی عبارتند از نیروهای آزادی ملی - نیروهای مسلح مقاومت ملی و ارتش انقلابی خلق.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

"سازشکاران بداند، کارگران بیدارند"

سیزدهمین سال درگذشت رهبر ملی دکتر مصدق را گرامی بداریم و هشت میراث خواران او را بازکنیم



در صفحه ۲

یاد رفیق نعمت احمدی گرامی باد



مرگ نابینگام رفیق نعمت احمدی که در تاریخ ۱۴ بهمن در یک حادثه تومیل اتفاق افتاد، محله‌های زحمتکشان خرم آباد را در غم سنگینی فروبرد.
رفیق احمدی در سال ۱۳۳۰

در محله فقیرنشین "درب دلاکان" خرم آباد به دنیا آمد. به هنگام اوگیری و اعتلای جنبش در سال گذشته، رفیق نعمت در تمام سنگرهای مبارزه زحمتکشان خرم آباد حضور فعال و موثر داشت. پس از قیام رفیق تمام اوقات خود را صرف روشنگری زحمتکشان محلات فقیرنشین خرم آباد و افشای لیبرال‌ها و توطئه‌های ارتجاعی وابسته به آن نمود. جای نعمت در میان زحمتکشان و محلات فقیرنشین خرم آباد خالی است.
خاطرهای گرامی باد.

چه کسی مسئول شکنجه و مرگ فجیع این دانشجوی مبارز است؟

دانشجوی دانشکده علوم "سعید عقیقی" را حدود ۲۰ روز پیش در مسیر خانه‌اش می‌ربایند و جسد قطعه قطعه شده‌اش را با آثار و علائم شکنجه و جاقو سوختگی با آتش سیگار در حومه شهر رها می‌کنند.
ما از همه مقامات مسئول خواستار دستگیری و معرفی و افشای عاملین این جنایت هستیم. ضمانت مناسب سومین روز شهادت دانشجو سعید عقیقی مراسم در روز پنجشنبه ۸ اسفند ماه ساعت ۲ بعد از ظهر در دانشکده علوم با شرکت همه دانشجویان برگزار شد.

مردم مبارز کرمانشاه، کارگران زحمتکشان، دانش آموزان، دانشجویان، سربازان و معلمین مبارز.
بار دیگر جنایتی هولناک در این گوشه از خاک میهن خونبارمان به وقوع پیوست. بعد از صد هانمونه قتل و تروار آتش زدن کتابفروشی‌ها، حمله به راهپیمایی‌های اعتراضی و حق طلبانه مردم و نیروهای انقلابی، تعقیب و دستگیری‌های تجاوزگرانه و غیرمجاز که بطور گسترده توأم با رشدها و تقویست روز افزون باند های سیا هوشبه ساواک نیز بوده است. اکنون شاهد نمونه‌ای دیگر هستیم.



۱۴ اسفند سالروز درگذشت دکتر مصدق رهبر ملی و میهن پرست ایران است. دکتر مصدق که در طی مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم قهرمان ایران از دوران انقلاب مشروطیت به همراه دهخدا و مدرس در زندان و تبعیدگاه‌های رضاخان با دشمنان مردم ما به نبرد برخاسته بود توانست جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک ایران را علیه سلطه اقتصادی و سیاسی امپریالیسم انگلیس در سال‌های ۲۹-۳۲ رهبری و هدایت نماید. او مهمترین عامل وابستگی اقتصادی ایران به امپریالیسم انگلیس را که چیزی جز نفت نبود محسوس مبارزه قرارداد و حول آن دست به بسیج سیاسی زد. بدین منظور در مهرماه سال ۱۳۲۸

حزب شود. این روش حزب توده "که تا قبل از ۳۰ تیر ادامه داشت، این بار به سیاست راست روان‌نمای مبدل شد که به دنبال روی صرف از نمایندگان بورژوازی ملی انجامید. نتایجی که سیاست‌های چپ و راست "حزب توده" به بار آورد، نتایج بار آن شد که مبارزات مبارز و ناپیگیری‌های بورژوازی ملی آشکار شود و خلاصی را که عوامل فوق به وجود آورده بود، بایک سیاست پرولتاریائی برگردد. جنبش ضد امپریالیستی و دمکراتیک توده‌ها تعمیق باید و به پیروزی انجامد.

از سوی دیگر در جریان ملی شدن صنعت نفت و کسب پیروزی‌های چشمگیری که طی مبارزات مردم در سال‌های ۳۱-۲۹ به دست آمده بود، امپریالیسم آمریکا کوشش کرد از تضعیف سلطه امپریالیسم انگلیس سود جست و به تدریج و با مانورهای موقعیت‌مناسبی به دست آورد که با مقاومت دکتر مصدق و مبارزین روبرو شد. این امر ضرورتاً مبارزه ضد امپریالیستی را تعمیق بخشید. صف‌بندی جدیدی از نیروها شکل گرفت. جناح‌های سازشکار بورژوازی، از جمله بقائی، مکی و کاشانی از صف مبارزین خارج شدند و به صف دربار و امپریالیسم پیوستند. جریان‌های سیاسی - مذهبی، مثل فدائیان اسلام با سرانگشت امپریالیسم و آبادی داخلی‌اش به واسطه عقب افتادگی ذهنی‌شان با دکتر مصدق از در مخالفت درآمدند. مجموعاً این عوامل به اعتبار

بین خلق ما و امپریالیسم و بهره‌گیری از توان خلق‌ها علیه امپریالیسم. از این جهت دکتر مصدق مبارزات خود را عمدتاً در سطح دیپلماتیک و دادگاه‌های بین‌المللی که می‌توانست مکمل مبارزات مردم ما باشد، پیش برد و در وجه داخلی در صدد برآمد که ارتش ضد خلقی و نهاد های سرکوب را تقریباً دست نخورده و بدون تغییر در اختیار گیرد. به همین دلیل پس از کشتار مردم بیگناه در ۲۳ تیر ۱۳۳۲ و یک سلسله توطئه‌ها توسط نیروهای مسلح ضد خلقی که شاه در رأس آن بود، دکتر مصدق تقاضای فرماندهی کل قوا و وزارت جنگ را نمود و چون با مخالفت شاه روبرو شد ۲۵ تیر ۱۳۳۱ استعفا کرد. توده‌های مردم به حمایت از او به خیابان‌ها ریختند و طی کشتار مردم در ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ توسط ارتش، شاه تسلیم شد و دکتر مصدق توانست به وزارت جنگ و وزارت دفاع را اشغال کند. اشتباه بزرگ دکتر مصدق از اینجاست که از آنجایی که با تصفیه چندین نفر از سران ارتش به حساب خود آن راهی خطر ساخت و لسی دکتر مصدق از درک ماهیت ضد خلقی ارتش غافل ماند. همانطوری که نتوانست ماهیت امپریالیسم جهانی را در رابطه با اشتراک منافعشان به درستی دریابد.
چنین اشتباهاتی توانست توجیه مناسبی برای سیاست‌های چپ‌روانه و انحرافی حزب توده و در نتیجه گمراهی توده‌های کارگر و بخش‌هایی از توده‌های هوادار

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

بقیه در صفحه ۱۳